

را توشه

فصلنامه علمی - تخصصی ویژه بهائیان
تابستان ۱۴۰۱ - محرم الحرام ۱۴۴۴ - شماره دوم
ویژه نامه مائتق مشرک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

معاونت فرهنگی و تبلیغی

◀ صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

◀ مدیر مسؤول:

سعید روستا آزاد

◀ سردبیر:

مصطفی آزادیان

◀ کارشناس اجرایی:

اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید محمد اکبریان	◀ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عبدالکریم پاک نیا تبریزی	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی خادمی	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
ناصر رفیعی محمدی	◀ عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
سعید روستا آزاد	◀ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
میرتقی قادری	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی نظری منفرد	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ویراستار:

زهرا رضائیان

صفحه آرا:

اکبر اسماعیل پور

مسؤول چاپ و نشر:

سید محمود کریمی

آدرس:

قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

تلفن:

۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷

پایگاه اینترنتی:

<http://rahtoosheh.dte.ir>

پست الکترونیک:

tabligh@dte.ir

شمارگان:

۲۰۰ نسخه

قیمت:

۲۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	سخن نخست
۹	انتظارات رسول اعظم ﷺ از امت اسلامی
	حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری
۲۳	بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک
	حجت الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری
۳۳	جایگاه روزه عاشورا در فرهنگ اهل سنت شافعی
	حجت الاسلام والمسلمین احمد فلاح‌زاده
۴۳	نگاهی به سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه در منابع اهل سنت
	علی جباری
۵۵	پاسخ به پرسش‌های مناطق مشترک
	حجت الاسلام والمسلمین عبدالله مؤمنی
۶۵	نگاهی گذرا به برخی از خاطرات تبلیغی در مناطق مشترک
	حجت الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری

سخن نخست

عاشورا فصلی برای بازکاوی معیارهای عرفانی دین و شناخت میزان ارتباط انسان با فرهنگ جهاد و مقاومت است. آنگاه که با فرارسیدن ماه محرم، نسیم شهادت از کربلا می‌وزد، در واقع بهترین زمان برای مراجعه به خود جهت سنجش میزان ارتباط فردی و اجتماعی با فرهنگ اسلام خواهی و ستم ستیزی است و این پویش راه آنانی است که برابر امپراتور زمان سر خم نکرده و سستهای اسلامی را زنده کردند. با همین معیار و بر اساس سخن بنیان گذار نهضت معاصر حسینی در ایران (امام خمینی علیه السلام) جنبه سیاسی - اجتماعی مجالس عزاداری بالاتر از همه جنبه‌های دیگر است، تا جایی که دعوت به گریه برای امام حسین علیه السلام در دایره همین مفهوم، تعبیر می‌شود. ورق زدن برگهای تاریخ اسلام حکایت از کوشش فراگیر اهل بیت علیهم السلام برای سیره‌سازی از حرکت حسینی به عنوان برنامه زندگی اجتماعی انسان دارد تا آدمی، پلیدی‌ها را زدوده، به اصل پاک خویش بازگردد. این معنا در سخن امام صادق علیه السلام درباره عنصر هدایتگری در حرکت حسینی می‌درخشد که: «وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَبِکَ لَيْسَتْ تُقَدَّ عِبَادُکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الضَّلَالَةِ». برآستی هر اندازه جامعه انسانی در ژرفای عاشورا وارد شود، به همان اندازه راهنما را شناخته و راه را می‌یابد. از سوی دیگر، واقعه عاشورا درس بزرگی برای تجربه تلخ دنیاگرایی هدایت‌گریز انسان است، زیرا نتیجه این تفکر دنیا دوستی، انحراف اخلاقی - اعتقادی در جهان اسلام بود و این حادثه آن قدر دردناک بود که امام زمان علیه السلام هر روز در رثای جد شهیدش می‌فرماید: «فَلَا تُدْبِنُکَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً». البته پس از انقلاب اسلامی و بویژه در سالهای اخیر، خوشبختانه معرفت حسینی، به برکت فعالیتهای دینی، به یک شناخت فرهنگی بین المللی تبدیل شده و امروزه خیل رهپویان اهل بیت علیهم السلام از سراسر جهان رو به کربلا می‌نمایند. اکنون، حسین بن علی علیه السلام که روزگاری در غربت صحرای سوزان، ندایش

در گلو ماند و به جایی نرسید، خود به رسانه‌ای جهانی تبدیل شده و فارغ از هیاهوهای شیطنت آمیز غولهای رسانه‌ای جهان، در نبردی پیروزمندانه، سالانه هزاران نفس پاک را از سرتاسر جهان به خود می‌خواند؛ و این سنت الاهی است که چراغی که ایزد برافروزد هرگز خاموشی نیابد.

به خواست پروردگار، معاونت فرهنگی - تبلیغی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ره‌توشه دیگری از محتوای ویژه برای مبلغان ماه محرم را فراهم نموده است که امید می‌رود مبلغان ارجمند و مخاطبان فرهیخته را به خود جلب نماید. رویکر اصلی این ره‌توشه، تولید محتوای شایسته برای سخنرانی با رهیافت بیان تاریخی در انتقال مفاهیم دینی است. نویسندگان مقالات کوشیده‌اند، محتوا را به گونه‌ای تنظیم نمایند تا به صورت کیفی بتواند، به عنوان منبری با محتوای جدید و نویافته، از یک سو نیاز مبلغان گرامی را برآورده نماید و از سوی دیگر متناسب با نیاز فکری - فرهنگی زمانه، تدوین شده باشد. البته موضوعات طرح شده در این فصلنامه، نیازمند شرح و بسطی متناسب با فضای تبلیغی از سوی مبلغان گرامی است. رویکرد جهاد تبیین (جهاد زبانی در بیان معارف دینی) در همه مقالات مورد دقت نویسندگان قرار گرفته و چون مبلغان هستند که این قافله پویای حسینی را زنده نگه می‌دارند و زیر پرچم حسین بن علی علیه السلام تبلیغ می‌کنند، انتظار می‌رود، بنابر فرموده رهبر انقلاب علیه السلام، این فرصت طلایی را غنیمت دانسته، در دل مخاطب وارد شده و نفوذ نمایند.

فصلنامه ره‌توشه در سه قالب ره‌توشه اصلی، ویژه خانواده و ویژه مناطق مشترک تولید می‌شود.

● **ره‌توشه اصلی:** در مقاله‌های ره‌توشه اصلی به ترتیب، به ترویج شهادت در قالب بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب علیه السلام، با بیان راهکارهای نشر فرهنگ شهادت؛ تأثیرات مخرب اعتقادی - فرهنگی سیطره دولت بنی‌امیه بر جامعه اسلامی با رویکرد روشنگری، شیوه برنامه‌ریزی در سبک زندگی امام حسین علیه السلام با رویکرد مدیریت زمان؛ ملت‌سازی بر اساس گفتمان امام حسین با رویکرد رشد تراز شهادت‌طلبی؛ سرگذشت همراهان و جاماندگان از قافله حسینی با رویکرد توجه به فرصت‌های زودگذر در زندگی؛ روش تربیت اخلاقی برای الگوگیری در تربیت فردی و اجتماعی با رویکرد سیره امام حسین علیه السلام؛ جایگاه نماز در شخصیت‌شناسی شهدای کربلا با رویکرد شناخت الگوی نماز؛ شرح زندگانی حضرت عباس علیه السلام و نوادگانش

با هدف بیان نوع تربیت نسلی در میان اهل بیت علیهم‌السلام؛ تحلیل خطبه امام حسین علیه‌السلام در عاشورا با هدف شناخت مولفه‌های هدایت فکری از نظر امام حسین علیه‌السلام؛ شرح خطبه حضرت زینب علیه‌السلام در کوفه با هدف شناخت بعد اجتماعی خطبه و میزان تأثیرگذاری آن، با رویکرد تبلیغ زنان در محرم، پرداخته شده است.

● **ره‌توشه خانواده:** این ره‌توشه می‌کوشد ضمن برجسته‌سازی جایگاه خانواده به تربیت نسل حسینی، یاری رساند. در مقاله‌های ره‌توشه خانواده به ترتیب به: جایگاه اجتماعی زنان در واقعه عاشورا با رویکرد بیان نقش آفرینی بانوان در رخداد کربلا؛ بررسی روش‌های آموزش حجاب با رویکرد حفظ حجاب به عنوان پاسداشت شعائر عاشورایی؛ نقش محبت در تربیت فرزندان به مثابه رویکرد محوری در جامعه‌سازی اهل بیتی؛ تربیت اجتماعی فرزندان در بستر خانواده با هدف شرح جایگاه خانواده در تربیت فرزندان بر اساس الگوی سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام؛ رفتارشناسی تربیت دینی در خانواده شهدا به مثابه الگوهای اسلامی پیشرفت فرهنگی؛ نقش آموزش خانواده در پیشگیری جرائم و آسیب‌های اجتماعی با هدف تقویت بُعد خانوادگی تربیت در جامعه؛ تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر سلامت اجتماعی زنان با هدف برنامه‌ریزی برای تربیت نسلی سالم از دریچه خانواده، پرداخته شده است.

● **ره‌توشه مناطق مشترک:** در مقاله‌های ره‌توشه مناطق مشترک (مناطق شیعه و سنی نشین) به ترتیب، انتظارات حضرت مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از امت بزرگ اسلامی با رویکرد وحدت اسلامی؛ لزوم شناخت فضای فرهنگی و بایسته‌های اجتماعی مناطق مشترک نشین (شیعه و سنی نشین) با رویکرد شناخت فضای تبلیغی در راستای حفظ روحیه برادری؛ جایگاه روزه عاشورا در فرهنگ اهل سنت شافعی با هدف بیان علاقه شافعیان به امام حسین علیه‌السلام؛ شرح دیدگاه اهل سنت درباره رویکرد احیای اندیشه مهدویت در میان اهل سنت؛ شناخت اقلیمها و انواع عزاداری اهل سنت در ایام ماه محرم با هدف تشریح فعالیت‌های اهل سنت در ماه محرم؛ شبهه‌شناسی و پاسخ به پرسشهای دینی مطرح شده در مناطق مشترک با تأکید بر یکپارچه‌بینی جامعه اسلامی؛ بیان خاطرات تبلیغی در مناطق مشترک با هدف الگوگیری مبلغان، پرداخته شده است. بار دیگر باید خدا را سپاس گفت که در ایران اسلامی، پیروان اهل سنت به مثابه عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام، آن سان به این خاندان وحی محبت

می‌ورزند که هم در فرهنگ نامگذاری به نشانه تیمن و تبرک از نامهای یکایک اهل بیت بهره می‌برند و هم، هر گونه تقرب به اهل بیت را مصداق آیه «**قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» می‌دانند.

در پایان ضمن سپاس از نویسندگان ارجمند، از همه کسانی که در محتواسازی، انتشار و ترویج این فصلنامه تلاش می‌کنند، بویژه حجت الاسلام و المسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرانقدر ایشان صمیمانه تشکر و تقدیر می‌نمایم.

سعید روستا آزاد
معاون فرهنگی و تبلیغی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

انتظارات رسول اعظم صلی الله علیه و آله از امت اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری *

قال الله تعالى: «وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»^۱

مقدمه

رسول اعظم صلی الله علیه و آله، خواسته‌ها و انتظارات بسیاری از امت اسلام دارد. از منظر حضرت سه محور «اخلاق‌مداری»، «عدالت‌خواهی» و «تشکیل امت واحده»، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اخلاق سرمایه گرانسنگ زندگی دنیا و آخرت است و از خواسته‌های ایشان تشکیل جامعه اخلاق‌مدار است: «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا»^۲. همچنین از خواسته‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تشکیل جامعه عدالت‌محور است: «وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»^۳. از دیگر انتظارات رسول همه خوبی‌ها، ایجاد جامعه آرمانی و امت واحده است: «وَالْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ»^۴، این سه محور مورد تبیین و بررسی قرار می‌گردد.

الف) اخلاق‌محوری

یکی از خواسته‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله، اخلاق‌مداری است. اخلاقی که در آموزه‌های دینی سخت بدان پافشاری شده است؛ تا آنجا که قرآن یکی از ویژگی‌های

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. آل عمران: ۱۰۳: «و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید».

۲. محمد بن حسن طوسی، *الأمالی*، ص ۵۹۶.

۳. شوری: ۱۵.

۴. حسین بن محمد حلوانی، *نزهة الناظر و تنبيه الناطر*، ص ۲۷.

رسول خدا ﷺ را اخلاق می‌داند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری». پیامبر ﷺ نیز هدف از بعثت خود را رساندن ارزش‌های اخلاقی می‌داند: «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا»^۲ من برای اخلاق بزرگوارانه و خوش برانگیخته شدم». اخلاق‌مداری، عرصه‌های مختلفی دارد که در این بخش به اخلاق‌مداری با محوریت احسان و خدمت‌رسانی پرداخته می‌شود.

۱. احسان و خدمت‌رسانی

یکی از مسائل مهم در آموزه‌های دینی، خدمت به مردم است؛ چنانکه قرآن همواره انسان را به گره‌گشایی و خدمت‌رسانی به دیگران توصیه کرده است. با توجه به اهمیت احسان است که خداوند به نیکوکاری فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ»^۳ همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان و دادن (حق) خویشاوندان فرمان می‌دهد». همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۴ و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد». علامه سبزواری ذیل این آیه می‌نویسد: «الْإِحْسَانُ مَعْلُومٌ عِنْدَ كُلِّ أَحَدٍ وَفَاعِلُهُ مَحْبُوبٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى...»^۵ بنابراین با خدمت و کمک به همدیگر می‌توان به رضایت الهی و لذت‌های جاودان آخرت رسید. از محضر مبارک پیامبر اکرم ﷺ سؤال شد: «چه کسی نزد خداوند محبوب‌تر است؟». حضرت فرمود: «أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ»^۶ آن‌که نفعش به انسان‌ها بیشتر برسد».

۲. عرصه‌های خدمت‌رسانی

خدمت‌رسانی عرصه‌های مختلفی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۲/۱. عرصه خانوادگی

خدمت به اعضای خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که اگر سرپرست خانواده زمینه خوشحالی و تأمین نیازهای مادی و معنوی خانواده را فراهم

۱. قلم: ۴؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۰۰.

۲. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۵۹۶.

۳. نحل: ۹۰.

۴. بقره: ۱۹۵.

۵. سید عبدالعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۴۱.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

کند، مهم‌ترین خدمت را انجام داده و در روایات از عملکرد او با عنوان جهاد یاد شده است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». ^۱ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

امام سجاد علیه السلام صبح زود برای طلب روزی از منزل خارج می‌شد. روزی کسی پرسید: کجا تشریف می‌برید؟ حضرت فرمود: «می‌روم تا به خانواده‌ام صدقه بدهم». آن شخص با تعجب پرسید: صدقه به خانواده؟ حضرت فرمود: «مَنْ طَلَبَ الْحَلَالَ فَهُوَ مِنْ اللَّهِ صَدَقَةً عَلَيْهِ»؛ هر کسی برای کسب حلال برود، در نزد خدای متعال برایش صدقه محسوب می‌شود.

خانم دباغ، اولین فرمانده زن در سپاه نقل می‌کند:

روزی بر حسب اتفاق تعداد میهمانان منزل امام ﷺ زیاد شد. پس از صرف غذا، ظرف‌ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. با زهرا - دختر آقای اشراقی - آماده شدیم که ظرف‌ها را بشوئیم، اما دیدم که خود امام ﷺ هم بلافاصله به آشپزخانه آمدند. از زهرا پرسیدم: «حاج آقا چرا به آشپزخانه آمده‌اند؟» و حق داشتم که تعجب کنم؛ زیرا وقت وضو نبود، اما امام ﷺ آستین‌هایشان را بالا زدند و فرمودند: «چون ظرف‌های امروز زیاد است، آمده‌ام کمک‌تان کنم».^۲

۲/۲. عرصه اجتماعی

در آموزه‌های دینی افراد جامعه نسبت به هم حقوق متقابل دارد؛ از این رو هر کدام از اینان نباید نسبت به نیازهای همدیگر بی تفاوت باشد. امام صادق علیه السلام فرموده است:

يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ تَعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ؛^۳ سزاوار است که مسلمانان در پیوستگی با هم و یاری کردن بر مهرورزی و مواسات با نیازمندان و عطوفت نسبت به یکدیگر کوشا باشند تا چنان شوید که خدای عزوجل به شما دستور داده است که «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»؛ یعنی مؤمنان نسبت به

۱. همان، ج ۵، ص ۸۸.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۶۷.

۳. پایگاه خبری تحلیلی شهدای ایران، «کمک امام خمینی رحمه الله به همسر در کار منزل و بچه‌داری»، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹، کد خبر: ۱۶۱۳۸۹.

<http://shohadayeiran.com/fa/news/161389>

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

یکدیگر مهربانند.

اسلام، بندگان را عیال خدا دانسته و محبوب‌ترین انسان را کسی می‌داند که برای عیال خدا خدمت کند؛ چنانکه پیامبر ﷺ فرموده است: «مردم، عائله و جیره‌خواران خداوند هستند. محبوب‌ترین مخلوقات نزد خدا، کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده مؤمنی را خوشحال کند».^۱ همچنین حضرت فرموده است: «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَنَفْعُ الْإِخْوَانِ»^۲ دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نیست، عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به برادران دینی». بنابراین خدمت به خلق همچون ایمان به خدا، موجب صعود انسان به مقامات معنوی و جلب رضایت خداوند متعال می‌شود. بر این اساس است که شخصیت‌های الهی ضمن توصیه به این امر، به مردم نیز خدمت‌رسانی می‌کردند. مرحوم آیت‌الله العظمی فاضل^۳ می‌گوید: «من ۵۰ سال است که دارم اسلام می‌خوانم. بگذار خلاصه‌اش را برایت بگویم؛ واجبات را انجام بده و به جای مستحبات تا می‌توانی به کار مردم برس و کار مردم را راه بیانداز. اگر قیامت کسی از تو سؤال کرد، بگو فاضل گفته بود. خدمت به خلق خدا، در فرهنگ تعالیم قرآن و عترت، ارزش و ثواب فراوانی دارد».^۴ فرزند ایشان می‌گوید:

در سال‌هایی که پدرم زنده بود، موضوعی پیش آمد که ایشان در آن مورد حضور فعالی داشتند. برخی می‌گفتند: به ایشان بگویید که در شأن شما نیست این نمونه کارها را انجام بدهید؛ زیرا شأن مرجعیت اجلّ از این است که به مردم عادی خدمت کنید. وقتی پیام را خدمت ایشان رساندند، پدرم خیلی ناراحت شدند و فرمود: «من مرجعیت را برای همین پذیرفته‌ام که به دین و دنیای مردم خدمت کنم، والاّ مرجعیت را که به درد دین و مردم نخورد، می‌خواهم چه کار؟».^۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۰۷.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۹۰.

۳. خبرگزاری فارس، «واجبات را انجام بده و تا می‌توانی به کار مردم برس بگو فاضل گفته»، ۱۳۹۵/۰۳/۲۶، کد خبر: ۱۳۹۵۰۳۲۶۰۰۱۱۰۴.

۴. <https://www.farsnews.ir/news/13950326001104>

۵. پرتال اندیشه برتر، «علما و خدمت به خلق»، ۱۳۹۴/۰۳/۱۰، کد خبر: ۶۶۴۶۴.

<https://btid.org/fa/news/66464>

ب) عدالت محوری

عدالت، از بزرگ‌ترین آرمان‌های انسان و از مهم‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی است. بایستگی آن برای جامعه موجب شده است این گوهر گرانسنگ همواره به عنوان یکی از هدف‌های مهم زندگی اجتماعی بشر مطرح باشد. یکی از خواسته‌های مهم رسول اعظم صلی الله علیه و آله و همه انبیا، تشکیل جامعه عدالت‌مدار است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛» رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.^۲ نکته جالب در جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، این است که از خودجوشی مردم سخن می‌گوید و نمی‌فرماید که انبیا به دنبال وادار کردن انسان‌ها به اقامه قسط هستند؛ بلکه هدف این بوده است که مردم مجری قسط و عدل باشند.^۳ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز از سوی خداوند مأمور به عدل شد و خود، نماد عدالت بود؛ چنانکه در زیارت‌نامه حضرت می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ؛» سلام بر تو ای برپادارنده عدالت». در روایت دیگری از ایشان نقل شده است:

عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامٍ لَيْلُهَا وَصِيَامُ نَهَارِهَا وَ جَوْزُ سَاعَةٍ فِي حُكْمٍ أَشَدُّ وَ أَغْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً؛^۴ یک ساعت به عدالت رفتار کردن، بهتر از هفتاد سال عبادت است که شب‌هایش را بیدار و روزهایش را روزه‌دار باشد و یک ساعت حکم به ظلم کردن نزد خدا، از گناهان شصت سال سخت‌تر و بزرگ‌تر است.

عدالت و ظلم‌ستیزی در عرصه‌های مختلفی همچون عرصه سیاسی و اقتصادی نمود می‌یابد که در این بخش تنها به «تعامل عادلانه با فرودستان» می‌پردازیم.

تعامل عادلانه با فرودستان

یکی از عرصه‌های مهم عدالت، تعامل با فرودستان است. از این‌رو یکی از اقدام‌های

۱. حدید: ۲۵.

۲. «قوله تعالى: لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ... مراده من العباد أن يقوموا بالقسط ...»؛ محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۹، ص ۴۷۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۷۲.

۴. شوری: ۱۵؛ ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۳.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۶۰۴.

۶. تاج‌الدین محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۵۴.

مهم رسول اعظم صلی الله علیه و آله، تعامل عدالت گرایانه با قشر فرودست بود؛ چنانکه ایشان با فقیران رفتار صمیمی داشت و از آنان تجلیل می نمود: «مَنِ اسْتَحْفَ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَحْفَ بِحَقِّ اللَّهِ... مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ»^۱ آگاه باشید هر کس مسلمان فقیری را تحقیر کند، خدا را تحقیر نموده است و هر کس فقیری مسلمان را تکریم کند، روز قیامت در حالی خدا را ملاقات می کند که از او راضی است».

امام علی علیه السلام نیز در وصیت نامه درباره فقرا چنین سفارش کرده است: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعَايِشِكُمْ»^۲ از خدا بترسید، از خدا بترسید، درباره فقرا و مستمندان. پس آن ها را شریک زندگی خود قرار دهید».

در شرایط کنونی به دلیل مشکلات اقتصادی، برخی افراد زندگی را به سختی سپری می کنند. گرایش دین مدارانه و اقتدا به سنت نبوی صلی الله علیه و آله اقتضا می کند حکومت و دینداران از غم و رنج هموطنان خود غافل نباشند؛ چنانکه امام علی علیه السلام حمایت از محرومان را در اولویت قرار می داد و به مالک اشتر توصیه می نمود:

اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَذَوِي الْبُؤْسِ وَالزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا فَاحْفَظِ اللَّهَ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهَا»^۳ از خدا بترسید، از خدا بترسید، درباره طبقه پایین؛ آن ها که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان و نیازمندان و از کار افتادگان. در این طبقه کسانی هستند که نیاز خود را ابراز می کنند و برخی نیز نیازشان را پنهان می سازند و باید به آن ها بدون درخواست بخشش کرد. بنابراین بر آنچه خداوند در مورد آنان به تو دستور داده، عمل کن.

ابوالطفیل، از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره دستگیری امام علی علیه السلام از بچه های یتیم و بی سرپرست می گوید:

روزی او را مشاهده کردم که بچه های یتیم و بی سرپرست را جمع نموده و سفره مناسبی باز کرده و غسل و سایر نیازمندی ها را دور هم چیده و لقمه های لذیذ و غسل بر دهان آنان می گذارد. این منظره آن چنان مؤثر و جالب بود که یکی از اصحابش گفت: «ای کاش! من هم یتیم بودم و این چنین، مورد الطاف علی قرار

۱. محمد بن علی صدوق، *الأمالی*، ص ۴۲۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۷، ص ۵۲.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۱۴۱.

می‌گرفتم.^۱

ره نیک مردان آزاده گیر
چو ایستاده‌ای، دست افتاده گیر^۲

ج) وحدت محوری

یکی از انتظارات مهم رسول خدا ﷺ، همگرایی جهان اسلام است که در قالب امت واحده و اتحاد مطرح می‌شود: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»^۳ و این امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم؛ پس از مخالفت فرمان من بپرهیزید».

آیه فوق به وحدت و یگانگی جامعه انسانی و نیز حذف هر گونه تبعیض و جدایی دعوت می‌کند. وحدت، قانون حاکم بر تمام هستی است. قطرات باران با همگرایی خود دریاها را تشکیل می‌دهند، ذرات بدن انسان با همسویی سلامت بدن را تأمین می‌کنند و جامعه الهی با تبعیت از قانون الهی، به وحدت می‌رسد. فردگرایی و غیریت‌سازی، سبب می‌شود امت واحده طعمه تفرقه‌انگیزان شوند؛ از این‌روست که قرآن همگان را به همگرایی دعوت می‌کند:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛^۴ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید.

پیامبر اسلام ﷺ با تمسک به قرآن و استفاده از مؤلفه‌های وحدت، توانست جامعه متحد را ایجاد نماید. جان دیون پورت می‌نویسد: «محمد یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را به یک جامعه فشرده و با انضباط مبدل نمود و آن‌ها را در میان ملل روی زمین با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد».^۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۹.

۲. <https://ganjoor.net/saadi/boostan/bab2/sh7>

۳. مؤمنون: ۵۳.

۴. آل عمران: ۱۰۳.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۱.

در مقابل اختلاف، بدترین بلایی است که ممکن است دامنگیر جهان اسلام شود؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۱ (و کشمکش نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود)؛ زیرا نخستین اثر نزاع و اختلاف مجاهدان در برابر دشمن، سستی و ناتوانی و ضعف در مبارزه است؛ و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت و هیبت و عظمت شماست.^۲

۱. پیامدهای اختلاف و نزاع

امام علی علیه السلام در مذمت نزاع و درگیری فرموده است: «اکثریت همداستان شوید که دست خدا همراه جماعت است و از تفرقه پرهیز کنید که موجب آفت است. آن‌که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است؛ چنانکه گوسفند از گله درماند، نصیب گرگ بیابان است».^۳

وضع جهان اسلام و سیاست‌های خصمانه دشمنان گویای آن است که آن‌ها درصدد ایجاد اختلاف در جهان اسلام هستند. دکتر مایکل برانت،^۴ از کارشناسان برجسته دفتر شیعه‌شناسی سازمان سیا و معاون باب وود وردز،^۵ از مقامات سابق سیا می‌گویند:

پس از بررسی‌های مفصل به این نتیجه رسیدیم که برخورد مستقیم و رو در رو با تشیع، ضرر زیادی دارد و امکان پیروزی در آن کم است؛ به همین خاطر تصمیم بر آن شد که در این خصوص با رویکرد «پشت پرده» وارد عمل شویم. بر همین اساس، از اصل قدیمی انگلیسی یعنی «تفرقه بینداز و حکومت کن» بهره گرفتیم؛ یعنی به این نتیجه رسیدیم که باید بر ضد شیعه منظم و مستحکم، از رویکرد تفرقه‌افکنی استفاده کنیم. از این‌رو تصمیم گرفته شد که شایعه کافر بودن شیعیان گسترش پیدا کند و با تبلیغات منفی بر ضد این گروه، تشیع از دیگر جوامع اسلامی جدا شود. تصمیم گرفته شد که مطالب نفرت‌انگیز علیه شیعیان نوشته شود و افرادی

۱. انفال: ۴۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۹۵.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، ص ۱۸۴.

4. Michael Brant

5. Bob Woodward

برای این کار اجیر شوند.^۱

سید جمال‌الدین راه چاره نابسامانی‌های جهان اسلام را در همبستگی در برابر استعمارگران می‌داند و می‌گوید:

سازمان مغز و اندیشه خود را به تشخیص درد اصلی شرق و جست‌وجوی درمان آن اختصاص دادم. دریافتم که کشنده‌ترین درد شرق، جدایی افراد آن از یکدیگر و پراکندگی اندیشه‌های آنان و اختلاف‌شان بر سر اتحاد و اتحادشان در اختلاف است. پس در راه وحدت عقیده و بیدار کردن آنان در برابر خطر غربی که ایشان را فراگرفته است، دست به عمل زدم.^۲

مرحوم کاشف‌الغطا نیز در این زمینه دردمندانه می‌گوید: «راستی کدام مصیبتی اسفبارتر و دردناک‌تر از اینکه مسلمانان با دست خود، یکدیگر را نابود کنند و غافل باشند و یا خود را به نادانی بزنند که دشمنی که آنان را آلت دست خود قرار دهند».^۳ این در حالی است که جهان اسلام می‌تواند پیکره واحدی را تشکیل دهد و ملت‌های مسلمان با یکدیگر دوست باشند؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «اسْتَوْوا وَلَا تَخْتَلَفُوا فَتَخْتَلَفَ قُلُوبُكُمْ»؛^۴ با یکدیگر (در مسائل مادی و مالی) برابر باشید، نه مختلف تا دل‌های شما با هم اختلاف پیدا نکند». همچنین حضرت فرموده است: «وَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَدٌ وَاحِدَةٌ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ»؛^۵ همانا مسلمانان مانند یک دست در برابر غیر خود متحد هستند». امام علیه السلام در این باره فرموده است: «می‌بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده که اگر مسلمین مجتمع بودند، هرکدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند؛ او را سیل می‌برد».^۶

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «طرحی شوم علیه تشیع»، کد خبر: ۷۷۰۹۱.

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/77091/6603/2689>

۲. پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه (شفقنا)، «سید جمال‌الدین اسدآبادی و ایده اتحاد اسلام»، ۱۳۹۴/۱۰/۰۷، کد خبر: ۸۶۸۱۳.

<https://fa.shafaqna.com/news/86813>

۳. سیداحمد موثق، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۳۷۳.

۴. مسعود بن عیسی ابن ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۶۶.

۵. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴.

۶. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۵.

۲. راه‌های ایجاد همبستگی و وحدت

اسلام برای ایجاد همبستگی در جامعه مسلمین، راه‌هایی را ارائه می‌کند که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:

۲/۱. پرهیز از تکفیر

متأسفانه امروزه بعضی از تندروها از میان شیعیان و اهل سنت، عقایدی را به یکدیگر نسبت می‌دهند که واقعیت ندارد و این امر موجب بسیاری از کشمکش‌های خونین شده است. این در حالی است که رسول خدا ﷺ فرموده است: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»^۱؛ مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبانش در امان باشند. سید قطب نیز معتقد است در طبیعت فرد مؤمن یگانگی و همکاری وجود دارد؛ همه با هم، پشتیبان یکدیگر و مددکارند و همکاری آن‌ها در کار نیک و جلوگیری از کار ناپسند است.^۲ امام صادق علیه السلام شیعیان را از توهین و دشنام به دیگر مسلمانان برحذر داشته و از آنان خواسته است با رفتار محبت‌آمیزی با مخالفان داشته باشند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ رَمَى مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ وَمَنْ رَمَى مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ فَهُوَ كَقَتْلِهِ»^۳؛ ملعون است و ملعون، آن‌که به مؤمنی نسبت کفر دهد و هر که مؤمنی را به کفر متهم کند، چنان است که وی را به قتل رسانده باشد. رهبر معظم انقلاب دامه نیز این خطر را گوشزد نموده است: «مواظب باشید که دشمن در سنگر خودی جا نگیرد. مواظب باشید که شما به جای تهاجم به دشمن به خودی حمله نکنید، عالم به زمان باشید؛ یعنی دشمن و دوست و عرصه مبارزه را بشناسید»^۴.

۲/۲. تعامل اجتماعی

یکی از راهکارهای ایجاد همگرایی، افزایش تعاملات و روبری دوستانه است؛ همان‌گونه که رهبران ما در گذشته این‌گونه رفتار می‌کردند. امروز نیز به برکت نظام

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۴؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۷، ص ۲۲۷.

۲. ابراهیم حسین الشاربی (سید قطب)، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۵۳.

۳. جمال‌الدین یوسف بن حاتم شامی، الدر النظیم، ص ۶۴۲.

۴. بیانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۷۶/۰۵/۰۱.

مقدس جمهوری اسلامی، تعامل خوبی میان اهل سنت و شیعیان برقرار شده است. میان علمای اهل سنت و علمای شیعه رفت و آمد و دید و بازدیدهای دوستانه و عالمانه برقرار و این روند الحمدلله به نحو مطلوبی رو به افزایش است. امام صادق علیه السلام رفتار پسندیده‌ای با علمای اهل سنت داشت. مالک بن انس از محضر علمی حضرت بهره برده و گفته است: «هیچ چشمی ندیده است و هیچ گوشی نشنیده است کسی از جهت فضل، علم، عبادت و ورع برتر از جعفر صادق علیه السلام باشد». ^۱ معاویه بن وهب نیز درباره رفتار امام صادق علیه السلام با اهل سنت می‌گوید: به حضرت عرض کردم چگونه شایسته است برای ما که با قوم خود (یعنی شیعیان) و مردمانی که با ما آمیزش دارند و شیعه نیستند، رفتار کنیم؟ فرمود: «نگاه کنید به پیشوایان خود آنان که از آنها پیروی کنید و هر طور آنها رفتار کنند، شما نیز همان‌طور رفتار کنید. به خدا سوگند آنها بیمارانشان را عیادت می‌کنند و بر سر جنازه‌هایشان حاضر گردند و در دادگاه‌ها حق آنها را رعایت می‌کنند و امانت‌های آنها را به آنها رد کنند». ^۲

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی، *مجموعه ورام*، چاپ اول قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب*، چاپ اول قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، *إقبال الأعمال*، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت: دارلنکر، [بی تا]
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، تصحیح مؤسسة آل البيت، چاپ اول قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۷. حلوانی، حسین بن محمد، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، تصحیح مدرسة الإمام المهدي، چاپ اول قم: مدرسة الإمام المهدي، ۱۴۰۸ق.
۸. شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم، *الدر النظیم*، چاپ اول قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ق.
۹. الشرابی (سید قطب)، ابراهیم حسین، *فی ظلال القرآن*، چاپ ۳۵، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۱. شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، *جامع الأخبار*، چاپ اول نجف: مطبعة حیدریة، [بی تا].
۱۲. صدوق، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق .
۱۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر مکارم، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۱۹. موثقی، سیداحمد، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۲ش.
۲۰. موسوی سبزواری، سید عبدالعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، [بی جا]: سماحه آیت الله العظمی السبزواری، ۱۴۰۹ق
۲۱. موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۹ش.

پایگاه‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «طرحی شوم علیه تشیع»، کد خبر: ۷۷۰۹۱.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی و دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای دامنه‌ای.
۳. پایگاه بین‌المللی همکاری‌های خبری شیعه (شفقنا)، «سید جمال‌الدین اسدآبادی و ایده اتحاد اسلام»، ۱۳۹۴/۱۰/۰۷، کد خبر: ۸۶۸۱۳.
۴. پایگاه خبری تحلیلی شهدای ایران، «کمک امام خمینی رحمه الله به همسر در کار منزل و بچه‌داری»، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹، کد خبر: ۱۶۱۳۸۹.
۵. پرتال اندیشه برتر، «علما و خدمت به خلق»، ۱۳۹۴/۰۳/۱۰، کد خبر: ۶۶۴۶۴.
۶. خبرگزاری فارس، «واجبات را انجام بده و تا می‌توانی به کار مردم برس بگو فاضل گفته»، ۱۳۹۵/۰۳/۲۶، کد خبر: ۱۳۹۵۰۳۲۶۰۰۱۱۰۴.

۳. علامہ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۴.

هستند؟ فرمود: همان کسانی که حدیث و سنت مرا به مردم می‌رسانند و به امت من تعلیم می‌دهند.

با توجه به اهمیت و جایگاه ارزشمند تبلیغ دین در منابع اسلامی، لازم است علاوه بر ارائه محتوای غنی دینی در تبلیغ، به روش ارائه نیز توجه نمود تا تبلیغ، ماندگار و اثرگذار شود. برای این اثرگذاری و ماندگاری، نیاز به ابزار و روش دارد و بدون آن ابزار، ماندگاری و تاثیرگذاری آن، اندک یا بی‌نتیجه است. آشنایی مبلغان دینی با ظرافت‌ها، ابزار و روش‌های تبلیغی در مناطق مشترک ضرورتی انکارناپذیر است. بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوع، در اینجا برخی از بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک بیان می‌شود.^۱

۱. برجسته کردن مشترکات مذاهب اسلامی

خداوند متعال در قرآن کریم، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ^۲ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرد». در این آیه شریفه، خداوند متعال پیروان ادیان الهی را به مشترکات اسلام و آیین‌های اهل کتاب دعوت می‌کند و با این طرز استدلال به ما می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس با شما همکاری کنند تلاش و کوشش نمایید تا حداقل در اهداف مهم مشترک، همکاری آنها را جلب کنید و آن را پایه‌ای برای پیشبرد اهداف مقدس‌تان قرار دهید.

این آیه نورانی قرآن، درس بزرگی به جامعه اسلامی و پیروان آئین محمدی صلی الله علیه و آله می‌آموزد که وقتی طبق آیات قرآن، ماموریت داریم با دیگر ادیان الهی در امور مشترک، توافق نموده و وحدت داشته باشیم قطعاً این وحدت و همدلی در بین پیروان امت اسلامی که با وجود تعدد فرقه‌ها و مذاهب، مشترکات فراوانی با یکدیگر دارند اولویت بیشتری دارد. زیرا هریک از اشتراکات جامعه اسلامی در

۱. برای شناخت کامل بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک ر.ک: فصلنامه ره‌توشه مناطق مشترک،

شماره‌های ۶ و ۸.

۲. آل عمران، ۶۴.

اصول و فروع دین، در اعتقادات و مناسک عبادی، می‌تواند منشا وحدت و زندگی مسالمت‌آمیز شود. اعتقاد به توحید و وحدانیت خداوند متعال، اعتقاد به مبدا و معاد، قبول نبوت انبیای الهی خصوصا خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، اعتقاد به وحیانی بودن قرآن و اتفاق بر عدم تحریف قرآن کریم، باور به مهدویت و حکومت جهانی حضرت مهدی (عَجَلُ اللهُ تَعَالَى بِظَهْرِهِ)، نزول حضرت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَام) و همراهی با امام مهدی در آخرالزمان، باور به جایگاه ویژه و ممتاز اهل بیت پیامبر (عَلَيْهِمُ السَّلَام) و قبول مرجعیت آنان در بین امت اسلامی، ضرورت محبت و مودت به اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، وجود مناسک عبادی مشترک از قبیل نماز، روزه، کعبه و قبله، حج، زکات، طهارات و صدها مورد دیگر، نمونه‌های فراوانی است که به مراتب نقطه وحدت و اشتراک مسلمانان با یکدیگر می‌باشد و نباید به سادگی از کنار آن گذشت و به آن بی‌توجه بود. رهبر معظم انقلاب (مدظله) در اهمیت همدلی دنیای اسلام بر مشترکات و توجه به توطئه دشمنان نسبت به شیعه و اهل سنت می‌فرماید:

دل سنی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سنی آن‌چنان چرکین می‌کنند که نتوانند با این همه مشترکات، کنار هم قرار بگیرند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی‌فهمیم؟ سال‌های متمادی است - از زمان مرحوم آیت الله بروجردی (رحمه الله) و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر - که این فکر پیدا شده که بیا بید اختلافات را کنار بگذارید سنی، سنی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید خودتان را داشته باشید اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به مسیحیان آن زمان می‌گوید: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَمْ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكْ بِهِ شَيْئًا» آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله‌ی واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمّات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض ورزی غرض ورزان و غفلت غافلان نیست؟ هر کسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذ است؛ چه شیعه باشد، چه سنی.^۱

وظیفه مبلغان مناطق مشترک آن است که اشتراکات امت اسلامی را برجسته نمایند و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اқشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) ۱۳۸۵/۵/۱۷.

مراقب باشند که افتراقات و موارد اختصاصی مذاهب، مورد طعن و خدشه قرار نگیرد و بستر ساز و زمینه ساز جریحه دار شدن اعتقادات آنان نشود و آنان را در ورطه انجام عکس العمل نامناسب قرار ندهد.

بیان و طرح مباحث مورد اختلاف و اختصاصی مذاهب اسلامی، ظرافت خاص لازم دارد که علاوه بر تسلط علمی، ظرفیت سنجی طرح آن مباحث خصوصا در مجالس خصوصی و بدون تنقیص و حب و بغض شخصی لازم است. زیرا مباحث اختلافی، بستر ساز سوء استفاده معاندان و نزاع و درگیر کردن پیروان امت اسلامی با یکدیگر است. قتل عام ها، عملیات های انتحاری و کشتار وحشیانه ای که متأسفانه گاهی توسط افراطیون مسلمان نما انجام می شود همه به خاطر دست گذاشتن بر نقاط اختلافی و برجسته کردن آن است.

۲. تاکید بر اصول مذهب و عقاید شیعه و دفاع از آن بدون افراط و تفریط

همت مسلمانان بر آن است که به حقیقت ایمان برسند و زندگی خود را بر معیار دین و ایمان تنظیم نمایند تا به سعادت دنیا و آخرت نائل شوند. البته در این مسیر نیز ممکن است خطا رفته و به علل متعدد، حقیقت دین بر آنان به صورت ناصحیح و وارونه جلوه گر شود و در نتیجه از صراط مستقیم منحرف شده و مسیر را به اشتباه طی نمایند که همین خطایمایی و انحراف از حق و حقیقت، موجب پیدایش فرقه های اسلامی شده است؛ زیرا به تعبیر حافظ شیرازی: «چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند» اما آنچه در بین جوامع اسلامی مشاهده می شود آن است که پیروان فرقه های اسلامی، سعی و تلاش دارند با جان و دل از اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی خود دفاع نموده و بر آن پایبند باشند و در حفظ و حراست آن، در عقیده و عمل کوشا باشند.

شیعیان نیز که بر طبق آموزه های دینی و معارف اصیل اسلامی، تبعیت از اهل بیت علیهم السلام را به عنوان حقیقت دین برگزیده اند تلاش وافر دارند تا در مسیر آن راهنمایان راستین قدم بردارند و از جان و دل از اعتقادات و باورهای شیعی خود دفاع کنند و این مهم در طول تاریخ مورد تاکید رهبران جامعه اسلامی که طلایه داران تقریب مذاهب اسلامی نیز هستند بوده است. بر این اساس لازم است همانطور که باید به تقریب و مبانی آن معتقد بود و از آن دفاع کرد از مبانی اصیل

مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز جانانه دفاع نمود تا با نام تقریب و وحدت امت اسلامی، مبانی اصیل اعتقادی شیعه در حاشیه قرار نگیرد و کنار نگذاشته نشود. متأسفانه در برخی موارد مشاهده می‌شود عده‌ای اندک، تلاش دارند از راهبرد تقریب، سوء استفاده نموده و به اسم تقریب و نزدیکی پیروان مذاهب اسلامی، اعتقادات و باورهای شیعه را کنار نهند و به دلایل واهی به آن هجمه کنند در حالی که بزرگان و رهبران تقریب همانند مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله، حضرت امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری (دام‌ظله) که به شدت مقید به تقریب مذاهب اسلامی بوده با جان و دل نیز از اصول و مبانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دفاع می‌کنند.

رویکرد امام راحل رحمته‌الله و رهبر معظم انقلاب (مدظله) در تقریب مذاهب اسلامی و تقویت مبانی اهل بیت علیهم‌السلام، اقتدارگرایانه است به این معنا که در عین حالی که اصول و اعتقادات شیعه را حفظ می‌نمایند و به آن پایبندند سعی وافری دارند که بر روی اشتراکات با دیگر مذاهب تأکید نمایند و با کنار گذاشتن اختلافات بین مذاهب، یک همگرایی عظیم در جهان اسلام پدید آورند و رفتاری اعتدال‌گرایانه و مشی معقولانه، منطقی، معتدل و وحدت‌گرایانه را در پیش‌روی امت اسلامی قرار داده و با هرگونه افراط و تفریط در بین شیعیان و مسلمانان مخالف نمایند. و با نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی به یکدیگر و حمایت از تقریب بین مذاهب، بر اصول و عقاید شیعه نیز پایبند بوده و ذره‌ای از آن عدول ننمایند. و تلاش دارند با شناخت دقیق سیاست‌های استکبار علیه شیعیان و مسلمانان، به مقابله و مبارزه با آن برخیزند و امت اسلامی را از گرایش به اندیشه‌های غربی و سکولار و بی‌دینی و همچنین گرایش به اندیشه‌های سلفی و وهابی بر حذر دارند. تشکیل مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام هم‌زمان با تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی توسط رهبر فرزانه انقلاب، بیانگر همین مهم است که آن رهبر فرزانه، با تأکید بر اصول شیعه، توجه و عنایت ویژه نیز به وحدت امت اسلامی دارند.

مبلغان مناطق مشترک با اقتداء و تاسی به سیره و روش اهل بیت علیهم‌السلام و عالمان و اندیشمندان شیعه، باید بر اصول و اعتقادات تشیع پایبند بوده و از آن محافظت نمایند و همچنین نمادهای شیعه را که در طول تاریخ، محفوظ مانده است نگه‌داری نمایند و مراقب باشند تا افرادی به اسم وحدت و تقریب مذاهب، اصول و نمادهای شیعه را خدشه‌دار نکنند. اقامه عزای اهل بیت علیهم‌السلام و برپایی مراسم دسته‌روی، نمونه بارزی از

نمادها و فرهنگ شیعه است که باید حفظ کرد و به صورتی باشکوه انجام داد.

۳. توجه دادن مخاطبان نسبت به ترفندها و توطئه استکبار و رژیم صهیونیستی

پیشرفت سریع و برق‌آسای اسلام در جزیره‌العرب، حکایت از تلاش‌های فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تطبیق آموزه‌های اسلامی بر مبانی عقلانی و موافقت آن با فطرت انسان‌ها دارد و به همین سبب، موجب شد که از ابتدا عده‌ای که منافع خود را در خطر می‌دیدند و با توسعه مکتب و حیانی اسلام موافق نبودند به مخالفت با آن برخیزند. دشمنی برخی از افراد با مسلمانان از آن دوران تا کنون ادامه دارد و تلاش دارند مانع جدی و سدی محکم مقابل پیشرفت این دین آسمانی قرار دهند.

نماد و قالب دشمنان دیروز خصوصاً یهودیان مستقر در مدینه، در عصر کنونی و به صورت علنی در چهره صهیونیست و استکبار نمایان شده و به امت اسلامی ضربه وارد می‌کند. کشتن مسلمانان به صورت علنی در قالب جنگ‌ها، محروم کردن آنان از حقوق انسانی و اجتماعی، تفرقه و دو دستگی در جوامع اسلامی و تسلط بر حاکمان کشورهای اسلامی و وابسته کردن آنها به خود، نمونه‌ای از توطئه‌های فراوان آنان می‌باشد. متأسفانه دنیای اسلام خصوصاً سران کشورهای اسلامی نیز هیچ‌گونه عکس‌العمل متحد و مناسبی در مقابل این توطئه ندارند و نظاره‌گر و حتی در بسیاری از مواقع، همدست با آنان علیه امت اسلامی شده‌اند و در نتیجه این همکاری و بی‌تفاوتی، استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل، به آسانی بر بسیاری از اراضی و ثروت‌های کشورهای اسلامی تسلط پیدا کرده و فلسطین اشغالی را غصب کردند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) در مورد خطر دشمنان امت اسلامی و جنایات آنان می‌فرماید: امروز هم مکرراً دیده می‌شود، که قدرتهای مستکبر عالم، آن وقتی که پای مسلمان‌ها در میان است، چشم بر روی هر جنایتی که علیه مسلمان‌ها انجام شود می‌بندند. این مسأله در بوسنی دیده شد در کوزوو هم دیده شد در افغانستان هم دیده شد در عراق هم دیده شد امروز هم نوبت لبنان است. فلسطین هم سال‌هاست که در همین وضعیت است. برای آنها شیعه و سنی و عرب و عجم تفاوت نمی‌کند هر جا زورشان برسد هر جا مانعی در مقابل خود نبینند هر جا مشتی به دهان آنها نخورد جلو می‌آیند. امت اسلامی و ملت‌های اسلامی باید این را درک کنند و بفهمند

باید خود را قوی کنند.^۱

شوربختانه دنیای اسلام از توطئه استکبار غافل شده و گرفتار جنگ‌های داخلی گردید و عده‌ای افراطی با عناوینی همچون وهابیت، بهائیت، القاعده، داعش و غیره بر اموال و جان‌های مسلمانان تجاوز کردند و به ایجاد نزاع‌ها و درگیری‌های داخلی، به کشتار و تضعیف مسلمانان پرداختند. چنانچه رئیس جمهور سابق آمریکا (ترامپ) در دوران انتخابات ریاست جمهوری، رئیس جمهور قبلی این کشور را موسس داعش خواند و در سخنرانی خود به صراحت بیان کرد: «داعش دارد به رئیس جمهور او باما احترام و ارج می‌نهد. او موسس داعش است و به داعش کمک مالی کرد. من این را هم می‌گویم که هیلاری کلinton هم به همراه او باما، موسس داعش بوده است.^۲

اگر مسلمانان جهان با هم وحدت داشتند اکنون قدس شریف در اشغال صهیونیست نبود و هزاران مسلمان آواره، دور از خانه و کاشانه خود زندگی سختی نداشتند و دنیای اسلام نظاره‌گر مصرف‌گرایی کالای غرب و عقب‌ماندگی داخلی و ضعف بنیه علمی و اقتصادی نبود.

در این شرایط بغرنج و بحرانی، با تدبیر مصلحان و اندیشمندان اسلام، تقریب مذاهب اسلامی که راهبرد اساسی قرآنی جهت ایجاد همدلی و مقابله و مبارزه با زیاده‌خواهی دشمنان اسلام تشکیل شد.

آگاهی دادن مخاطبان به دشمن مشترک مسلمانان، رسالتی مهم بر عهده مبلغان مناطق مشترک است تا آنان را از درگیری مذهبی و فرقه‌ای دور نموده و متوجه دشمن اصلی که همان استکبار جهانی و اسرائیل غاصب است نمایند و از توطئه آنان در فرقه‌سازی جهت خدشه‌دار کردن چهره اسلام رحمانی، ایجاد جنگ داخلی و غارت سرمایه مسلمانان آگاه سازند.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم پاوه. ۱۳۹۰/۷/۲۵.

<https://www.leader.ir/fa/speech/8751>

۲. این خبر توسط خبرگزاری‌های فارسی با تیترو: اعتراف ترامپ در مورد تاسیس داعش توسط آمریکا پخش شد.

<https://www.mashreghnews.ir/news/1004863>

۴. حضور در عرصه های اجتماعی جهت رفع مشکلات مردم

یکی از مشکلات و ناهنجاری های زندگی اجتماعی، آسیب هایی است که در جامعه بروز می کند و منشا آن، رفتارهای فردی یا جمعی افراد جامعه است که در برخی مواقع، در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد رسمی و غیررسمی جامعه واقع نمی شود و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می شود. به همین دلیل، یکی از رسالت ها و وظایف روحانیت و مبلغان، حضور فعال در عرصه های اجتماعی جهت رفع مشکلات است، چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) می فرماید: «طلاب باید با کسب صلاحیت ها و آگاهی های لازم، در دنیای متفاوت امروز، خود را برای ایفای مسئولیت های تعیین کننده در جامعه آماده کنند.»^۱ همچنین می فرمایند: «حضور طلاب در خدمات رسانی به مردم، مدرسه سازی، بیمارستان سازی، کمک به مردم هنگام حوادث و دیگر عرصه ها، نیروهای مردمی را نیز به صحنه می آورد و منشأ خدمات خواهد شد.»^۲

در مناطق مشترک به دلیل اینکه آسیب ها فراوانی بیشتری دارد لازم است مبلغان دینی با همتی مضاعف، در صدد رفع آن باشند. به این صورت که در ابتدا آگاهی مردم را نسبت به معضلات اجتماعی بالا برند و با بیان جذاب و علمی، بخشی از سخنرانی های خود را به خطرات این معضلات و آسیب ها اختصاص دهند. در گام و مرحله دوم، در صورتی که شرایط و زمینه آن فراهم بود اقدام عملی نیز در رفع آن معضلات و مشکلات داشته باشند.

۵. آگاهی بخشی نسبت به خطرات وهابیت

قدرت های استکباری و استعماری برای ضربه زدن به اسلام، از آغاز تا کنون، تلاش های متعددی را انجام داده اند و از هیچ کوششی برای رسیدن به اهداف پلید و استعماری خود فروگذاری نکرده اند. آنان علاوه بر جنگ مستقیم با مسلمانان، متأسفانه از درون دنیای اسلام نیز با توسل به حربه و ترفند فرقه سازی، به عنوان ابزاری علیه وحدت امت اسلامی بهره بردند و در هر زمان و مکان از این ابزار، بیشترین تأثیر را در اختلاف بین مسلمانان و ایجاد شکاف و دوگانگی نهادند. در قرن

1. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33076>

2. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33076>

دوازدهم هجری نیز این ابزار کارگر افتاد و فرقه‌ای به نام وهابیت، شکاف عظیمی را در صفوف متحد مسلمانان ایجاد کرد که اثرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن تا به الآن، خود نمایان است. این فرقه منحرف و گمراه، با تکفیر پیروان مذاهب اسلامی و ایجاد نفاق و تفرقه و فتنه در میان مسلمانان، تهدیدی جدی برای دنیای اسلام شد. و این درحالی است که برخی از اهل سنت که اطلاع دقیقی از عقاید وهابیت و سلفی‌ها ندارند و عقاید و رفتار آنان را همانند دیگر فرقه‌های اسلامی می‌دانند گمان می‌کنند که اختلاف وهابیون فقط با عقاید و افکار شیعیان است. در حالی که وهابیت دشمن مشترک تمام مذاهب اسلامی است و بارها تمام فرق اسلامی را متهم به شرک کرده و مواضع تند علیه اعتقادات مذاهب اسلامی ابراز داشته‌اند. بر همین اساس نیز عالمان مذاهب اسلامی علیه وهابیت و سلفیت به مقابله پرداخته و با تفکرات آنان مبارزه کرده‌اند.

بسیار مناسب است که مبلغان مناطق مشترک، عموم مردم خصوصاً نسل جوان شیعه و اهل سنت را نسبت به خطرات وهابیت آگاهی دهند و از گرایش آنان به این گروه برحذر دارند.

فهرست منابع

قرآن کریم؛

مجلسی محمدباقر، بحار الأنوار، دارالکتب الاسلامیه؛

<https://farsi.khamenei.ir>

<https://www.leader.ir>

جایگاه روزه عاشورا در فرهنگ اهل سنت شافعی

حجت الاسلام والمسلمین احمد فلاحزاده*

قال الله تعالى: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».^۱

مقدمه

روزه عاشورا، یکی از اموری است که در میان اهل سنت شافعی رواج دارد. این نوشتار در پی واکاوی آن است که این روزه از چه زمانی وارد جامعه اسلامی شده و چه تحولاتی را به خود دیده و سرانجام چگونه به فقه اسلامی راه یافته است. بر اساس این تحقیق، روزه عاشورا در میان اهل سنت شافعی که رویکرد اخلاقی در میان آنان بیشتر از سایر رویکردهای دینی پررنگ است، به دلیل آنکه از زبان رسول خدا ﷺ نقل شده و مایه پاک شدن گناهان سال گذشته بیان شده است، مورد سفارش قرار می گیرد. این نوشتار به بررسی روایی و تاریخی این امر می پردازد.

روزه در تاریخ

پیش از وجوب روزه رمضان در سال دوم هجری، برخی از انواع روزه داری در ادیان ابراهیمی و در میان مردم شهر مکه نیز که خود را ادامه دهندگان دین ابراهیم ﷺ می دانستند، مرسوم بود^۲ که از آن جمله برخی برای برآوردن حاجت ها و یا شکر نعمتی که به آن ها داده شده بود، روزه می گرفتند. ادعای روزه داری در ادیان ابراهیمی، مستند به ۱۱ آیه در قرآن و معروف ترین آیه در این باره، آیه ۱۸۳ سوره بقره است:

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع و پژوهشگر تاریخ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

۱. شوری: ۲۳: «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیت]».

۲. احمد فلاحزاده، «درآمدی بر سنت سازی امویان؛ مطالعه روندی - فرآیندی روزه عاشورا بر مبنای نظریه پخش»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ص ۸۳.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». در میان بنی اسرائیل چنین رسم بود که روزه‌هایی را بر خود قرار می‌دادند؛ مانند «روزه سکوت» حضرت مریم علیها السلام که البته در اسلام ممنوع شد.^۱ یهودیان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، جمعه‌ها را روزه می‌گرفتند که البته نوع روزه گرفتن آن‌ها با روزه‌داری مسلمانان - از فجر تا غروب - متفاوت بود.^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه اعلام کرد که مستحب است مسلمانان روزه‌های دوشنبه و پنجشنبه روزه بگیرند.

روزه‌داری در حجاز برگرفته از آیین حنیف (دین حضرت ابراهیم علیه السلام) بود. همچنین در اعیاد و مناسبت‌ها در میان مسیحیان روزه‌داری رسم بود.^۳ سال‌ها پیش از واجب شدن روزه رمضان - در سال دوم هجری - مسلمانان به شیوه‌های مختلفی روزه می‌گرفتند؛ برای مثال حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله که پیرو آیین حنیف بود، پیش از مسلمان شدن در روزه‌های جمعه و شنبه روزه می‌گرفت.^۴ در تمامی سال‌هایی که مسلمانان در مکه بودند، روزه گرفتن امری مستحب بود. سخنانی که میان جعفر بن ابی طالب و نجاشی پادشاه حبشه رد و بدل شد، دلیلی بر روزه‌داری مسلمانان پیش از هجرت بیان شده است.^۵ همچنین هنگام هجرت مسلمانان از مکه، برخی در همان حال مسافرت روزه بودند. یکی دیگر از انواع روزه، روزه شکر بود که بعدها نیز در میان مسلمانان ادامه یافت.^۶ روزه‌داری به قصد شفای بیماران پس از واجب شدن روزه رمضان نیز در میان مسلمانان همچنان برقرار بود. برای این موضوع می‌توان به ماجرای بیماری حسنین علیهما السلام اشاره کرد که وقتی آن حضرت بیماری این دو نواده را دید، توصیه کرد حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیهما السلام سه روز روزه گرفتند.^۷ روزه شکر نیز در دوره‌های بعد اسلامی نیز میان مسلمانان ادامه داشت؛ چنانکه در این باره نقل شده است وقتی مختار حرمله را کشت، به مختار خبر دادند که او حرمله را به روشی کشته است که امام سجاد علیه السلام نفرین کرده بود حرمله همان‌گونه بمیرد. مختار

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۶۱؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۸۷.
۲. محمد بن سعد کاتب واقدی، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۹۴.
۳. محمد بن حبیب الله سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۱، ص ۲۱۴.
۴. محمد بن عمر الواقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۱۱.
۵. عبدالملک بن هشام معافری، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۳۶.
۶. محمد بن سعد کاتب واقدی، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲۴.
۷. عبیدالله بن عبدالله حاکم حسانانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۳۹۸.

نیز از اینکه دعای امام سجاد علیه السلام به دست او اجرا شده بود، یک روز، روزه شکر گرفت.^۱

بررسی تاریخی روزه گرفتن در عاشورا

امویان که برای پیروزی در جنگ با امام حسین علیه السلام، روزه نذر کرده بودند،^۲ پس از شهادت امام علیه السلام نیز آن روز را جشن گرفتند. نخستین بار حجاج بن یوسف ثقفی، امیر حجاز و عراق در دوره عبدالملک بن مروان که برای شکست دادن عبدالله بن زبیر، بخشی از کعبه را با منجنیق تخریب کرد و به آتش کشید و احترام مردم به منبر و قبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را ریشخند می کرد، دستور داد مردم روز دهم محرم جشن بگیرند. بنا بر فرمان او، هواداران امویان به بازار رفتند و در روز عاشورا خرید یک ساله خود را انجام دادند، جشن گرفتند و غذاهای متنوع آماده و شادی کردند. بر اساس همین دستور، پیروان بنی امیه در دهم محرم شیرینی می پختند، لباس های نو می پوشیدند، سرمه می کشید و به حمام می رفتند که همه این ها نشانه عید بود.^۳

دلیل سیاسی این کار آن بود که شیعیان در سیستان و کوفه پس از شهادت امام حسین علیه السلام به خونخواهی آن حضرت قیام و امویان را بیرون کرده بودند. امویان می کوشیدند پس از سرکوب قیام شیعیان، انگیزه این قیام ها را از بین ببرند. از این رو تلاش کردند با جعل روایت های مختلف، دهم محرم را به جشنی مذهبی تبدیل نمایند تا از این رهگذر انگیزه ای برای خون خواهی شیعیان و رنگی برای مظلومیت اهل بیت علیهم السلام در ماجرای کربلا باقی نماند.

آه از دمی که شاه شهیدان کربلا
بی نورگشت شمع شبستان احمدی
بوی بهشت و خون شهیدان دهد کسی
لب تشنه اهل بیت، ولی ز آب چشمشان

آمد سوی مصاف به میدان کربلا
از تند باد ظلم در ایوان کربلا
گر بو کند گلی ز گلستان کربلا
سیراب گشته خاک بیابان کربلا^۴

۱. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۲۳۹.

۲. همان، ص ۶۶۷.

۳. تقی الدین احمد مقریزی، المواعظ و الاعتبار، ج ۲، ص ۴۳۷.

۴. شعر از شاعر گُرد، عبدالله سنندجی.

تأملی در روایت‌های منسوب به رسول خدا ﷺ درباره روزه عاشورا

پس از آنکه از زمان بنی‌امیه روزه‌داری در دهم محرم به شکرانه شهادت امام حسین (علیه السلام) رسم شد، منابع حدیثی هوادار بنی‌امیه به برخی روایت‌ها استناد کردند که بنا بر آن‌ها پیامبر ﷺ نخستین بار در سال دوم هجرت روزه عاشورا را اعلام کرده بود. در این روایت‌ها آمده است آن حضرت روزه یهودیان در روزه عاشورا را مشاهده کرد و فرمان داد مسلمانان هم این روز را روزه بگیرند.^۱

بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که این موضوع با سندهای تاریخی مطابق نیست؛ زیرا عاشورای یهودیان، روز دهم ماه عبری به نام «تشرین» بود و در سال دوم هجری، ماه تشرین بر اساس تقویم با مهر ماه شمسی برابر بود. این در حالی است که منظور از عاشورا، دهم محرم است. بررسی تقویمی نشان می‌دهد عاشورای سال دوم هجری برابر با ۲۵ تیر ماه بود؛ یعنی میان این دو تاریخ تقریباً سه ماه فاصله بود. بنابراین اگر روایت روزه عاشورا از سوی پیامبر ﷺ را بپذیریم، باز هم هرگز معنای آن روز دهم محرم نیست.

تا ده‌ها سال پس از شهادت شهیدان کربلا نیز نامی از عاشورا به عنوان روز دهم محرم در منابع نیست؛ بلکه نام قدیمی سرزمین کربلا (طف) را به شهیدانی که در آن به شهادت رسیده بودند، اضافه می‌کردند و می‌گفتند: «قتیل الطف».^۲ هنگامی که امام علی (علیه السلام) از جنگ صفین باز می‌گشت، به سرزمین کربلا رسید و فرمود: «اینجا افرادی به شهادت خواهند رسید و خون‌شان ریخته خواهد شد».^۳ اما نامی از عاشورا نیست.

واژه «عاشورا» برای واقعه دهم محرم سال ۶۱ هجری، از اواسط قرن سوم هجری رسم شد. گواه این سخن آن است که کتاب معروف *الطبقات الکبری* نوشته محمد بن سعد با موضوع زندگی و سیره پیامبر ﷺ و یاران ایشان در آغاز سده سوم هجری نوشته شده یا کتاب *أنساب الأشراف* که در تاریخ سده اول اسلام و انساب عرب، نوشته احمد بن یحیی بلاذری است، هنوز واژه عاشورا را نمی‌شناسد. شیعیان در قرن چهارم هجری، روز تاسوعا را به نماز می‌گذراندند و در روز عاشورا

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۱۷.

۲. محمد بن سعد کاتب و اقدی، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۵۱۱؛ احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۴۱۹.

۳. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ص ۱۴۲.

عزاداری می کردند. اهل سنت نیز با ذکر این روایت «أَيُّهَا النَّاسُ! سَارِعُوا إِلَى الْخَيْرَاتِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، فَإِنَّهُ يَوْمٌ عَظِيمٌ مَبَارَكٌ، قَدْ بَارَكَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ» منقول از پیامبر ﷺ، آن را روز بزرگی می دانستند؛ اما همچنین رسم بنی امیه در جشن گرفتن روز عاشورا و مهمانی گرفتن و شادی کردن، به رغم گذر ۳۰۰ سال از دوره امویان، در میان برخی شهرهای گوناگون رواج داشت.^۱

روزه عاشورا در روایت های شیعیان

بررسی کتب کهن شیعی گویای آن است که نخستین بار دستور الهی به اینکه مسلمانان روزه بگیرند، در روز دهم محرم بر پیامبر ﷺ وارد شد؛ از این رو پیامبر ﷺ فرمود: «روز عاشورا را روزه بگیرید». سپس با وجوب روزه رمضان، دیگر روزه عاشورا وجوبش را از دست داد.^۲ بعدها روزه عاشورا در عصر ائمه علیهم السلام به دلیل اینکه امویان آن را روزه ای به شکرانه قتل امام حسین علیهم السلام می دانستند، توصیه نمی شد؛ چنانکه امام صادق علیهم السلام فرموده است: «مَنْ صَامَهُ كَانَ حَقُّهُ مِنْ صِيَامِ ذَلِكَ الْيَوْمِ حَقَّ ابْنِ مَرْجَانَةٍ وَابْنِ زِيَادٍ... النَّاسُ؟» هر کسی روز عاشورا را روزه بگیرد، راه امویان رفته است و آتش جهنم نصیبش می شود». این روایت مربوط به زمانی است که دولت بنی امیه هنوز بر سر کار بود و آنان از روزه عاشورا به عنوان ابزاری برای مبارزه با اهل بیت علیهم السلام استفاده می کردند. یکی از راویان از امام صادق علیهم السلام درباره روزه عاشورا پرسش کرد، امام در پاسخ او فرمود: «صَوْمٌ مَثْرُوكٌ يَنْزُولُ شَهْرَ رَمَضَانَ، وَالْمَثْرُوكُ بَدْعَةٌ؛^۳ روزه عاشورا با آمدن روزه رمضان، ترک شد و زنده کردن چیزی که ترک شده است، بدعت است».

شیعیان پس از نابودی دولت امویان و از بین رفتن صورت مسئله - روزه به شکرانه شهادت امام حسین علیهم السلام که از سوی امویان تبلیغ می شد - رفته رفته به روزه عاشورا به عنوان یک روزه اخلاقی و نه فقهی نگاه می کردند و برخی از ایشان عاشورا را روزه می گرفتند. برای مثال علی بن موسی معروف به سید بن طاووس از بزرگان علمای شیعه، در فصل «فیما نذکره من صوم یوم عاشوراء و فضله و الدعاء فیه» کتاب الاقبال

۱. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی، آثار الباقیه، ص ۴۲۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵.

۳. جمعی از نویسندگان، الأصول الستة عشر، ص ۳۲.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۵۹۲.

بالاعمال الحسنة، خواندن دعایی را برای کسانی که در این روز روزه می گرفتند، سفارش می کند.^۱

مستندات روزه عاشورا در مذهب امام شافعی

در مذهب امام شافعی، رسم است که روزهای تاسوعا (نهم محرم) و عاشورا (دهم محرم) را روزه مستحب بگیرند. علت روزه از نظر پیروان امام شافعی، این است که وقتی پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کرد؛ یهود مدینه روز دهم محرم (عاشورا) را روزه می گرفتند و آن را به سبب نجات موسی ﷺ از چنگ فرعون در آن روز می دانستند. بنابراین پیامبر ﷺ فرمود که ما از آن ها اولاتر هستیم (یعنی به حضرت موسی ﷺ شبیه تریم) و به روزه گرفتن این روز تشویق کردند؛ ولی پس از چندی برای اینکه با یهود مخالفت کنند، فرمودند روز نهم محرم (تاسوعاء) نیز روزه بگیرند. در صحیح مسلم آمده است: «عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سُئِلَ عَنْ صِيَامِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ: يَكْفُرُ السَّنَةُ الْمَاضِيَةَ؛ از ابوقتاده رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ از روزه روز عاشورا پرسیده شد و فرمود: گناه سال گذشته را محو می کند».^۲ همچنین نقل می کنند که پیامبر ﷺ فرمود: «لَتُنْ بَقِيْتُ إِلَى قَابِلٍ لِأَصُومَنَّ التَّاسِعَ»^۳ اگر تا سال آینده باقی ماندم، حتماً روز تاسوعا (نهم محرم) را روزه خواهم گرفت»، ولی پیامبر ﷺ از قبل از تاسوعای آن سال رحلت فرمود.

شاعران اهل سنت شافعی، ارادت ویژه ای به اهل بیت ﷺ دارند و اشعار فراوانی نیز در این باره سروده اند. برای نمونه شیخ رضا طالبانی از کردهای عراقی سروده است:

در ماتم آل علی، خون همچو دریا می رود
تیغ است و بر سر می زند، دست است و بالا می رود
از عشق آل بوالحسن این تیغ زن و آن سینه زن
داد و فغان مرد و زن تا عرش اعلی می رود
پیراهن شمع خدا یعنی حسین و مجتبی
جان ها همی گردد فدا، سرها به یغما می رود

۱. علی بن موسی ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۳، ص ۵۳ - ۵۱.
۲. محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۰، ص ۳۵۲.
۳. عمادالدین العامری، بهجة المحافل، ج ۲، ص ۳۷۵.

کوتاه کن انکار را بدعت مگو این کار را

این سوگ آل حیدر است این خون به بی جا می رود^۱

روزه گیری شافعیان در عاشورا و هدیه آن به امام حسین علیه السلام

بر پایه سخن مقدسی در کتاب *حسن/التقاسیم* نوشته شده در سال ۳۷۵ قمری (قرن چهارم)، پیروان امام شافعی در شهرهای نیشابور، طوس، اسفراین و برخی شهرهای خراسان زندگی می کردند. امروزه شافعیان در کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، گیلان (رضوان شهر)، فارس (شهرستان خنج و لارستان)، هرمزگان (بندر خمیر و بستک) و استان اردبیل (نمین) پراکنده اند. پیروان امام شافعی، علاقه فراوانی به اهل بیت علیهم السلام دارند؛ چرا که محبت اهل بیت علیهم السلام در نظر امام شافعی، محبتی خالصانه است و ایشان در جای جای اشعارش به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد، به محبت آنان توسل می کند و می گوید: «کسی که در نماز بر اهل بیت علیهم السلام صلوات نفرستد، نمازش کامل نمی شود». اهل سنت شافعی نیز با همین رویکرد، علاقه بسیاری به اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام حسین علیه السلام دارند و در مراسم عزاداری ایشان به صورت فعال شرکت می کنند.

نویسنده که خود با کردهای شافعی ارتباط زیادی دارد، شهادت می دهد که آن ها خالطانه در عزای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت و نذر می کنند و ارادت ویژه ای به اهل بیت علیهم السلام و حتی امام زادگان دارند. برخی از ایشان سه روز (روزهای نهم، دهم و یازدهم) از ایام محرم را روزه می گیرند و ثواب آن را به روح امام حسین علیه السلام هدیه می کنند. برخی پا را فراتر می گذارند و از شدت علاقه به امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا، تمامی دهه اول محرم را روزه می گیرند و ثواب این روزه را به امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا تقدیم می کنند. اهل سنت شافعی به ویژه گُردها، اشعار بسیاری به زبان فارسی در رثای امام حسین علیه السلام سروده اند. در یکی دیگر از این چکامه ها آمده است:

لافت از عشق حسین است و سرت بر گردن است

عشق بازی سر به میدان وفا افکندن است

گر هوا خواه حسینی، ترک سر گن چون حسین

شرط این میدان به خون خویش بازی کردن است

۱. شاعر شیخ رضا طالبانی از شعرای گُرد عراقی. ر.ک: رضا طالبانی، اشعار فارسی شیخ رضا، ۱۸۹۱م.

سنی، سنی، ولیکن حسب آل مصطفی
دین و آیین من و آباء و اجداد من است^۱

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۲. بلاذری، احمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۳. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، *آثار الباقية*، تحقیق پرویز اذکایی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۸ ش.
۴. جمعی از نویسندگان، *الأصول الستة عشر*، تحقیق ضیاءالدین محمودی و نعمت‌الله جلیلی و مهدی غلامعلی، چاپ اول، قم: دار الحديث، ۱۴۲۳ ق.
۵. حاکم حسکانی، عییدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، چاپ اول، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
۶. سبزواری، محمد بن حبیب‌الله، *الجديد فی تفسیر القرآن المجید*
۷. صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد*، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ ق.
۸. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، چاپ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۹. طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، چاپ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۱۰. العامری، عمادالدین، *بهجة المحافل*، بیروت: دار الصادر، [بی تا].
۱۱. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، چاپ سوم، قم: جزائری، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. کاتب واقدی، محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم: دار الحديث، ۱۴۲۹ ق.
۱۴. معافری، عبدالملک بن هشام، *السيرة النبوية*، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۱۵. مقریزی، تقی‌الدین احمد، *المواعظ و الاعتبار*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.

۱. شاعر شیخ رضا طالبانی.

۱۶. منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثانية، القاهرة: المؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲ق.
۱۷. الواقدي، محمد بن عمر، *المغازی*، الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسه العلمی، ۱۴۰۹ق.

مقالات

۱. فلاح‌زاده، احمد، «درآمدی بر سنت‌سازی امویان؛ مطالعه روندی - فرآیندی روزه عاشورا بر مبنای نظریه پخش»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال ۱۶، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۰۸ - ۷۱.

نگاهی به سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در منابع اهل سنت

علی جباری *

قال الله تعالى: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ
الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

مقدمه

در باور برخی از اهل سنت، اعتقاد به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و ظهور ایشان برای مبارزه با ظلم و فساد و گسترش قسط و عدل، از عقاید اختصاصی شیعیان دوازده امامی است. حال آنکه با بررسی منابع کهن اهل سنت، این نکته روشن می شود که مهدی باوری از دیرزمان در میان اهل سنت وجود داشته و دارد و از سوی برخی عالمان طراز اول اهل سنت در این زمینه کتاب هایی نگاشته اند. ارائه نظام مند زندگانی، غیبت، ظهور و شرایط پس از آن در منابع معتبر اهل سنت، افزون بر پاسخگویی به سؤالات و شبهات در موضوع مود نظر، می تواند گامی در جهت تقویت اشتراکات و رفع اختلافات اعتقادی و مذهبی بین دو مذهب مهم شیعه و سنی باشد.

نام و نسب

او محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است.^۲ کنیه اش، ابوالقاسم^۳ و ابوعبدالله^۴ و

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع و پژوهشگر تاریخ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

۱. انبیا: ۱۰۵: در زیور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

۲. یوسف بن قزغلی ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۵۰۶.

۳. محمد بن یوسف زرنندی، معارج الوصول، ص ۱۸۳.

۴. یوسف بن قزغلی ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۳۲۵.

مشهورترین لقبش، مهدی^۱ است. حجت^۲، خلف صالح^۳، قائم‌المتظر^۴ و صاحب‌الزمان^۵، از دیگر القاب ایشان است. پدرش امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش، نرجس^۶ خانم، دختر قیصر روم است.^۸

ولادت

امام مهدی علیه السلام در روز جمعه ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری^۹، در سامرا^{۱۰} به دنیا آمد و در پنج سالگی پدرش، امام حسن عسکری علیه السلام را از دست داد.^{۱۱} ایشان، خاتم سلسه امامان شیعه و دوازدهمین امام است.^{۱۲}

حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام درباره کیفیت ولادت آن حضرت می‌گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا نزد خود فرا خواند و فرمود: «ای عمه! امشب افطار را نزد ما باش که شب نیمه‌شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را ظاهر می‌سازد». سحر که بیدار شدم، آثار اضطراب را در نرجس خانم مشاهده کردم و سپس فرزند او به دنیا آمد. فرزند را نزد پدرش بردم و او در گوشش اذان و اقامه گفت و فرمود: «کودک را نزد مادرش ببر».^{۱۳}

ویژگی‌های ظاهری

مهدی علیه السلام، شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جهت اخلاق و صفات ظاهری

۱. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۱۱۰۴.
۲. احمد بن محمد ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۴، ص ۱۷۶.
۳. محمد بن طلحه نصیبی، *مطالب السؤل*، ص ۳۱۱.
۴. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۱۱۰۴.
۵. همان.
۶. احمد بن محمد ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۴، ص ۱۷۶.
۷. داود بن محمد بناکتی، *تاریخ بناکتی*، ص ۱۱۵.
۸. محمد بن یوسف زرنندی، *معارج الوصول*، ص ۱۸۴.
۹. احمد بن محمد ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۴، ص ۱۷۶؛ خلیل بن ایبک الصفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۲، ص ۳۳۶.
۱۰. داود بن محمد بناکتی، *تاریخ بناکتی*، ص ۱۱۵؛ محمد بن یوسف زرنندی، *معارج الوصول*، ص ۱۸۴.
۱۱. احمد بن محمد ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، ج ۴، ص ۱۷۶.
۱۲. شمس‌الدین محمد ذهبی، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، ج ۲۰، ص ۱۶۱.
۱۳. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینایع المودة*، ج ۳، ص ۳۰۱.

است.^۱ او جوانی با قامت رعناست که صورت و موی زیبایی دارد و موی سرش روی شانه‌اش می‌ریزد.^۲ صورتش مثل ماه درخشان و رنگ چهره‌اش، عربی است.^۳ بینی او برجسته و پیشانی‌اش زیباست.^۴ میان دندان‌های پیشین‌اش فاصله وجود دارد.^۵ خال سیاهی در گونه راست او وجود دارد^۶ و ریش او انبوه و پرپشت و چشمانش سیاه است.^۷

امام مهدی علیه السلام در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث بسیاری، امام مهدی علیه السلام را از فرزندان خود دانسته و از جمله فرموده است: «المهدي عليه السلام منّا أهل البيت»^۸ مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است». همچنین آن حضرت فرموده است: «المهدي عليه السلام من عترتي من ولد فاطمة»^۹ مهدی علیه السلام از عترتم و از فرزندان فاطمه علیها السلام است». در سخن دیگری از آن حضرت آمده است: «يلي رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي»^{۱۰} مردی از اهل بیت من می‌آید که هم‌نام من است». در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «نحن، ولد عبد المطلب، سادة أهل الجنة، أنا و حمزة و علي و جعفر و الحسن و الحسين و المهدي»^{۱۱} ما فرزندان عبدالمطلب، سرور بهشتیان هستیم؛ من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی». در روایت دیگری نیز آمده است: «المهدي عليه السلام طاووس أهل الجنة»^{۱۲} مهدی علیه السلام طاووس

۱. ابراهیم بن محمد حموینی، فرائد السمطين، ج ۳، ص ۳۹۶.

۲. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۱۰۵.

۳. محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۰۱.

۴. سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۸۳۲.

۵. محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۱۵.

۶. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۱۱۸.

۷. علی بن عبدالله سمهودی، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، ج ۲، ص ۱۹۰.

۸. سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۱۳۶۷؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی، ج ۱، ص ۱۹۵.

۹. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۱۰۹؛ سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۶، ص ۳۴۱.

۱۰. محمد بن عیسی الترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۷۵؛ سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۶، ص ۳۳۷.

۱۱. محمد بن یزید ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۵، ص ۵۴۳.

۱۲. محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۰۱.

بهشتیان است».

امامت

خداوند همان‌گونه که در کودکی به حضرت یحیی علیه السلام حکمت عنایت کرده بود، به امام مهدی علیه السلام نیز این عنایت را روا داشت و ایشان را در طفولیت به امامت رساند؛ همان‌گونه که حضرت عیسی علیه السلام در مهد به نبوت رسیده بود. امامت ایشان، بنا بر نصی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام و از ایشان به امامان بعدی رسیده است و امام حسن عسکری علیه السلام نزد شیعیان خاص و قابل اعتماد، امامت ایشان را اعلام کرده بود.^۱

محمد بن علی بن بلال می‌گوید: «امام حسن عسکری علیه السلام دو سال قبل از وفاتش، درباره جانشین خود با من صحبت کرده بود و سه روز قبل از وفاتش به من خبر داد که جانشین او، فرزندش خواهد بود».^۲

غیبت

قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام اخبار غیبت او از پدرانش به شیعیان رسیده بود و همگان می‌دانستند که آن حضرت، صاحب شمشیر و قائمی است که دیگران در انتظارش هستند.^۳ بنا بر روایات امام مهدی علیه السلام قبل از قیامش، دو غیبت دارد که یکی طولانی‌تر از دیگری است. غیبت صغری، از زمان ولادت او شروع شد و تا پایان عمر آخرین نائب و سفیر حضرت میان شیعیان ادامه داشت. غیبت کبری نیز با وفات آخرین نائب امام مهدی علیه السلام میان شیعیان آغاز شده است و در انتهای این غیبت، حضرت قیام خواهد کرد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛^۴ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

امام مهدی علیه السلام در دوره غیبت صغری، از طریق نواب خود امور را اداره و با صدور توقیعات، دستورات و خبر دادن از پشت پرده امور، نسبت به راهنمایی آن‌ها اقدام

۱. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۱۰۹۷.

۲. همان، ص ۱۱۰۲.

۳. همان، ص ۱۰۹۷.

۴. انبیاء: ۱۰۵.

می‌کرد. آخرین نائب ایشان، علی بن محمد سمری بود که امام علیه السلام در توقیعی مرگ او پس از شش روز و پایان دوره نیابت و آغاز غیبت کبری را اطلاع داده بود. طبق خبر امام مهدی علیه السلام، علی بن محمد سمری شش روز بعد از دریافت نامه در سال ۳۲۹ وفات کرد.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن خبر دادن از غیبت امام مهدی علیه السلام، از گمراهی و سرگردانی مردم در دوره غیبت خبر داده است.^۲ ایشان امام مهدی علیه السلام را ذخیره انبیا علیهم السلام توصیف کرده و وعده داده است که حضرت زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد؛ همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۳

جابر بن عبدالله انصاری درباره نحوه استفاده و انتفاع مردم از امام غائب، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است: «مردم از نور و ولایت او بهره‌مند خواهند شد؛ همان‌گونه که از خورشید پشت ابر بهره می‌برند».^۴ صاحب *فرائد السمطين* نیز با بیان روایتی از امام صادق علیه السلام مبنی بر اینکه زمین از هنگام خلقت حضرت آدم علیه السلام هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نبوده است، چه ظاهر مشهور باشد یا غائب مستور، انتفاع و بهره‌مندی مردم از امام غائب را به استفاده مردم از خورشید پشت ابر تشبیه کرده است.^۵ قندوزی نیز همین روایت را به صورت مفصل‌تر و با ذکر نام و لقب و کنیه دوازده امام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق ترتیبی که شیعیان قبول دارند، ذکر کرده است.^۶

فلسفه غیبت

در احادیث بسیاری به فلسفه غیبت اشاره شده است. بنا بر احادیث، خداوند متعال برای اینکه بیعت هیچ طاغوتی بر گردن امام مهدی علیه السلام نباشد، ولادتش را مخفی کرد و او در غیبت به سر می‌برد و با قدرت الهی، دارای عمری طولانی است.^۷ آزمایش

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۳۱۸.

۲. ابراهیم بن محمد حموی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۳۵.
۳. همان.

۴. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۳۸ و ۲۳۹.

۵. ابراهیم بن محمد حموی، *فرائد السمطين*، ج ۱، ص ۴۶.

۶. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۳۹۹.

۷. ابراهیم بن محمد حموی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۱۲۴.

کسانی که ایمان آورده‌اند، از دیگر دلایل غیبت امام مهدی علیه السلام بیان شده است.^۱ همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غیبت را امری از امور الهی و سرّی از اسرار خداوند دانسته است که علم آن از مردم پوشیده شده است و شک در آن، به عنوان شک در امر خدا و کفر است.^۲

سختی حفظ ایمان در دوره غیبت تا آنجاست که بنا بر فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افرادی که بر امامت امام مهدی علیه السلام ثابت قدم خواهند ماند، مثل کبریت احمر خواهند بود.^۳

عمر طولانی

سبط ابن جوزی در کتابش به نام *تذکرة الخواص* در فصلی که به امام مهدی علیه السلام مربوط است، با ذکر مطلبی از قول امامیه به ذکر نام کسانی می‌پردازد که دارای عمرهای طولانی بوده‌اند و با این بحث، به صورت ضمنی شبهه امکان عمر طولانی داشتن برای امام مهدی علیه السلام را پاسخ می‌دهد. خضر علیه السلام و الیاس علیه السلام، از جمله انبیایی هستند که دارای عمر طولانی بوده‌اند و تا کنون زنده و در قید حیات هستند. حضرت آدم علیه السلام و نوح علیه السلام نیز از پیامبرانی هستند که مدت زیادی در این جهان زیستند.^۴

محمد بن طلحه نصیبی نیز در این باره می‌نویسد:

عمر طولانی بعضی از بندگان خالص خداوند و امتداد عمر بعضی از آنان، موضوع غریبی نیست. خداوند عمر بسیاری از بندگان از اصفیا، اولیا، دشمنان و رانده‌شدگان درگاهش را طولانی کرده است. از میان پیامبران، عیسی علیه السلام و خضر علیه السلام در قید حیات هستند و نوح علیه السلام نزدیک هزار سال عمر داشت. از میان دشمنان خدا، ابلیس و دجال زنده‌اند و شخصی از قوم عاد حدود هزار سال زندگی کرد. این مثالها برای بیان قدرت خدا برای طولانی نمودن عمر بعضی از بندگان است. پس چه مانعی

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۹۷.

۲. ابراهیم بن محمد حموی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۳۶؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۹۷.

۳. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۳۸۷.

۴. یوسف بن قزغلی ابن جوزی، *تذکرة الخواص*، ج ۱، ص ۳۲۵ و ۳۲۶؛ علی بن محمد ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۱۱۲۰.

می تواند از عمر طولانی بنده صالح خدا (امام مهدی عج) تا هنگام ظهور جلوگیری نماید؟^۱

محمد بن یوسف گنجی هم در کتاب *البيان فی اخبار صاحب الزمان* پس از بیان مطالب مشابه، می نویسد:

انکار بقای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از دو جهت است؛ یکی طول زمان و دیگری غیبت وی در سرداب، بدون اینکه کسی برای او غذا و نوشیدنی ببرد و این، ممکن نیست. طبق آیه ۱۵۹ سوره نساء «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» و برخی روایات، حضرت عیسی علیه السلام زنده و صاحب عمری طولانی است. خضر علیه السلام و الیاس علیه السلام نیز طبق روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنوز در قید حیات هستند. طبق آیه ۱۵ سوره اعراف «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ، قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»، ابلیس نیز زنده است.

سعید بن جبیر در تفسیر آیه ۳۳ توبه^۲ می گوید: «او [مهدی عجل الله تعالی فرجه] از عترت فاطمه علیها السلام است». آیه ۶۱ سوره زخرف «وَإِنَّهُ لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ»، طبق نظر مقاتل بن سلیمان و عده ای از مفسرین در شأن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می باشد.

گنجی در پاسخ شبهه طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می نویسد: «از میان سه نفری که در آخرالزمان وجود خواهند داشت، یکی دجال لعین است و دیگری عیسی علیه السلام که پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه نماز خواهد خواند. پس مهدی عجل الله تعالی فرجه، امام امت خواهد بود و در ادامه با ارائه استدلالی عقلی به اثبات امکان بقا و زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می پردازد». وی با مطرح کردن موضوع زندگی حضرت عیسی علیه السلام در آسمان بدون اینکه کسی برای او غذا و نوشیدنی فراهم نماید، برای پاسخ به شبهه زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در سرداب غیبت استفاده می نماید.^۳

پیشگویی های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ظهور

بشارت های زیادی درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه در روایات وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ

۱. محمد بن طلحه نصیبی، *مطالب السؤل*، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۲. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

۳. محمد بن یوسف گنجی، *البيان فی اخبار صاحب الزمان*، ص ۵۲۱ تا ۵۳۲.

وَجَلَّ رَجُلًا مِنَّا، يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْزًا؛^۱ اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خداوند عزوجل مردی از ما را بر می‌انگیزد و او دنیا را از عدل پر خواهد کرد؛ همان‌گونه که از ظلم پر شده است».

حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «يَلِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَوَاطِي أَسْمُهُ اسْمِي»^۲ مردی از اهل بیت من می‌آید که هم‌نام من است». امام علی عليه السلام نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «المهدي مِمَّا أَهَلَ الْبَيْتَ يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ»^۳ مهدی از ما اهل بیت است، خدا در یک شب کار او را اصلاح می‌کند». در روایت دیگری آمده است: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: إِنَّ هَذَا الْمَهْدِيَّ فَاتَّبِعُوهُ»^۴ مهدی عليه السلام ظهور می‌کند، در حالی که ملکی ندا می‌دهد: این مهدی است، از او تبعیت کنید». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تعبیری به ظهور امام مهدی عليه السلام چنین اشاره کرده است: «مِمَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلْفَهُ»^۵ از ماست کسی که عیسی عليه السلام پشت سر او نماز می‌خواند».

نشانه‌های ظهور

برای ظهور امام مهدی عليه السلام نشانه‌هایی ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. خروج سفیانی^۶

هنگامی که سفیانی و مهدی عليه السلام برای جنگ آماده می‌شوند، صدایی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: «آگاه باشید که اولیای خدا، اصحاب مهدی عليه السلام هستند»^۷ و

۱. احمد بن محمد ابن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۱۶۳؛ سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۸۳۱؛ محمد بن یوسف زرنندی، معارج الوصول، ص ۱۹۰.
۲. محمد بن عیسی الترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۴۵؛ محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۴۸۱.
۳. محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۴۸۷؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۸۲.
۴. ابراهیم بن محمد حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۶.
۵. محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۰۰.
۶. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۱۲۳.
۷. محمد بن یوسف زرنندی، معارج الوصول، ص ۱۹۴.

سفیانی برای جنگ با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ۳۰ هزار نیرو به سوی مکه خواهد فرستاد.^۱

۲. خروج رایات سود (پرچم‌های سیاه) از خراسان^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرِّايَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ، فَأَتَوْهَا؛ فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ»^۳ وقتی پرچم‌های سیاه را دیدید که از طرف خراسان می آید، به آن‌ها پیوندید؛ پس همانا مهدی عجل الله تعالی فرجه خلیفه خداوند در میان آن‌هاست.

۳. صیحه آسمانی

منادی از آسمان ندا می دهد و همه مردم زمین آن را می شنوند که می گوید: «همانا حجت خدا کنار خانه خدا ظهور کرد؛ پس از او تبعیت کنید که حق با اوست».^۴
خروج یمانی،^۵ خروج دجال،^۶ قتل نفس زکیه،^۷ قتل سید حسنی،^۸ کسوف خورشید در پانزدهم ماه رمضان^۹ و خسوف ماه در آخر ماه رمضان،^{۱۰} از دیگر نشانه‌های ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند.

ظهور

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان فردی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، حتمی است.^{۱۱}

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۲۰.

۲. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۱۱۲۷؛ محمد بن عیسی الترمذی، *سنن الترمذی*، ج ۴، ص ۲۶۵.

۳. احمد بن محمد ابن حنبل، *مسند احمد*، ج ۳۷، ص ۷۰؛ علی بن عبدالله سمهودی، *جوهر العقیدین فی فضل الشرفین*، ج ۲، ص ۱۹۳.

۴. ابراهیم بن محمد حموی، *فرائد السمطين*، ج ۲، ص ۳۳۷.

۵. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۱۱۲۷؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۴۶.

۶. سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، *سنن ابی داوود*، ص ۳۰۱؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، *صحیح مسلم*، ج ۱، ص ۱۳۸.

۷. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۲۴۶.

۸. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة*، ج ۲، ص ۱۱۲۳ و ۱۱۲۴.

۹. همان، ص ۱۱۲۵.

۱۰. همان.

۱۱. عبدالله بن محمد ابن ابی شیبہ، *المصنف فی الاحادیث والآثار*، ج ۸، ص ۶۷۸؛ سلیمان بن اشعث ابی داوود سجستانی، *سنن ابی داوود*، ص ۳۰۱.

رسول خدا ﷺ در این باره فرموده است:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِي فِيهِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛^۱ در آخرالزمان، مردی از فرزندانم می آید که نامش مانند نام من و کنیه اش مانند کنیه من است. زمین را از عدل و داد پُر می کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پُر شده است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه هنگام عشاء در مکه ظهور خواهد کرد و نشانه هایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچون پرچم و شمشیر در دست اوست.^۲ بر پرچم اش شعار «البيعة لله» نوشته شده است.^۳ در هیبت مردی ۴۰ ساله ظهور خواهد کرد^۴ و میان رکن و مقام با او بیعت می شود.^۵ وقتی که به کعبه تکیه داده است، ۳۱۳ نفر از یارانش نزد وی جمع می شوند و اولین کلام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه آیه «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» خواهد بود.^۶ سپس می گوید: «من بقية الله و حجت و خلیه خدا بر شما هستم» و سلام دهندگان با این عبارت بر ایشان سلام می دهند: «السَّلام عليك يا بقية الله في الأرض».^۷

پس از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه حضرت عیسی عليه السلام به دنیا باز خواهد گشت^۸ و به او اقتدا می کند و پشت سرشان نماز خواهد خواند.^۹ او در زمانی ظهور خواهد کرد که در میان مردم از اسلام، جز نامی و از قرآن، جز رسمی باقی نمانده است و مهدی عجل الله تعالی فرجه دین اسلام را احیا خواهد کرد.^{۱۰} امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دارای کمال موسی عليه السلام، جایگاه عیسی عليه السلام و صبر ایوب عليه السلام خواهد بود.^{۱۱} وی در میان اهل تورات با تورات شان و در

۱. یوسف بن قزغلی ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲. محمد بن یوسف زرنجی، معارج الوصول، ص ۱۹۵.

۳. همان، ص ۱۹۶.

۴. محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۱۴.

۵. همان، ص ۵۱۰.

۶. هود: ۸۶.

۷. علی بن محمد ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۱۳۵.

۸. محمد بن عیسی الترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۷۷.

۹. یوسف بن قزغلی ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۳۲۵.

۱۰. ابراهیم بن محمد حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۴.

۱۱. همان، ص ۱۳۸.

میان اهل انجیل با انجیل‌شان قضاوت خواهد کرد.^۱ ساکنین آسمان و زمین^۲ و پرندگان آسمان از وی راضی خواهند بود.^۳

فهرست منابع

۱. ابن ابی شیبہ، عبد اللہ بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن جوزی، یوسف بن قزغلی، تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة عليه السلام، تحقیق حسین تقی‌زاده، قم: المجمع العالمی لاهل البيت، مرکز الطباعة و النشر، ۱۴۲۶ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند ابن حنبل، تحقیق کامل قره بللی، ابراهیم زیبق، شعیب ارنووط و دیگران، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة فی معرفة الائمة عليه السلام، تحقیق سامی الغریری، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تصحیح بشار عواد معروف، بیروت: دارالجليل، ۱۴۱۸ق.
۶. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق سید ابراهیم و سید محمد سید و عبدالقادر عبدالخیر، قاهره: دارالحديث، ۱۴۲۰ق.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره: وزارة الاوقاف لجنة احياء كتب السنه، ۱۴۱۰ق.
۸. بناکتی، داود بن محمد، تاریخ بناکتی روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ش.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
۱۰. حموی، جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، تحقیق محمد باقر محمودی،

۱. محمد بن یوسف زرنندی، معارج الوصول، ص ۱۹۶.

۲. احمد بن محمد ابن حنبل، مسند احمد، ج ۱۸، ص ۶۲.

۳. محمد بن یوسف گنجی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۰۱.

- بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۳۹۸ ق.
۱۱. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، تحقیق محمودی مالک، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۱ ق.
 ۱۲. ذهبی، شمس الدین محمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۳. زرندی، محمد بن یوسف، معارج الوصول إلى معرفة آل الرسول و البتول، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۳۸۳ ش.
 ۱۴. سمهودی، علی بن عبدالله، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، تحقیق موسی بنای علیلی، بغداد: مطبعة العانی، ۱۴۰۵ ق.
 ۱۵. طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، تحقیق سامی الغریبی، قم: مؤسسة دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۶ ش.
 ۱۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیمف ینایع المودة لذي القربی، تحقیق علی بن جمال اشرف حسینی، قم: دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۲۲ ق.
 ۱۷. گنجی، محمد بن یوسف، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تهران: دار احیاء تراث اهل البيت، ۱۳۶۲ ش.
 ۱۸. نصیبی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، تصحیح عبدالعزيز طباطبائی، بیروت: البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
 ۱۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۲ ق.

پاسخ به پرسش‌های مناطق مشترک

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله مؤمنی*

قال الصادق عليه السلام: «إِنَّ الْبُكَاءَ وَ الْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا
جَزَعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ»^۱

مقدمه

اشک ریختن در مصیبت‌ها، همانند خندیدن در شادی‌ها، امری فطری و ابزاری کارآمد برای کاهش نگرانی و رهایی از احساسات منفی است که مانع بروز رفتارهای ناپسند می‌شود. افزون بر آرامش بخشی فطری، اگر گریستن مانند گریه و عزاداری بر مصیبت‌های امام حسین عليه السلام دارای جهت‌گیری اجتماعی یا سیاسی شود، در واقع به حرکت اجتماعی فراگیر و فریادی در برابر ستم و ستمگری و احیای عدالت تبدیل خواهد شد. یکی از راهکارهای عمق بخشیدن به این حرکت اجتماعی، توجه به پرسش‌ها و شبهات عزاداری و پاسخ دادن به آن‌هاست. نظر به اینکه مناطق مشترک کانون این پرسش‌هاست، پاسخ چند پرسش ارائه می‌شود.

پرسش اول: با توجه به اینکه در دستورات اسلامی از گریستن بر اموات نهی شده است، آیا گریه و

مرثیه‌سرایی در روز عاشورا بدعت نیست؟

گریستن به هنگام اندوه، واکنشی فطری است و طبیعت و فطرت انسان بر این نهاده شده است که با خندیدن، شادی و با گریستن، غم و اندوه او بروز پیدا می‌کند.

* کارشناس ارشد مذاهب اسلامی.

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۰۰: امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «برای بنده جزع نمودن در گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است، مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علی؛ زیرا شخص در این گریستن مأمور و مثاب است».

چگونه ممکن است خداوند انسان را از گریستنی که در فطرت او نهاده است، منع کند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛^۱ این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست».

قرآن کریم اندوه بسیار یعقوب علیه السلام بر یوسف علیه السلام را چنین توصیف می‌کند: «قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يَوْسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ؛^۲ فرزندان یوسف گفتند: به خدا تو آنقدر یاد یوسف می‌کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری، یا هلاک گردی». با اینکه مرگ یوسف علیه السلام بر یعقوب علیه السلام حتمی نبود، اما آنقدر گریست که قرآن درباره او می‌فرماید: «وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ؛^۳ و چشمان او از اندوه سفید شد».

از آیه فوق به خوبی استفاده می‌شود که گریه و اندوه در سوگ عزیزان، سالیان درازی هم طول بکشد؛ جایز است. شیعه بر این باور است که گریستن برای مردگان تا زمانی که موجب بروز رفتاری که مورد غضب خدا است، نگردد؛ امری ناپسند نیست و بعضی از مصادیق گریستن مانند گریستن بر اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه سیدالشهدا علیه السلام، از بهترین وسیله‌ها برای تقرب به خداست؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام فَإِنَّهُ فِيهِ مَا جُوزَ؛^۴ برای بنده جزع نمودن و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است، مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علی علیه السلام؛ زیرا شخص در این گریستن مأمور و مثاب است».

گزارش‌های تاریخی نیز گواه است که پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه آن حضرت در سوگ عزیزان‌شان گریستند. عزاداری بدعت نیست؛ زیرا بدعت در لغت به معنای نوآوری و ایجاد کردن چیزی است که سابقه و پیشینه ندارد.^۵ در اصطلاح نیز به معنای افزودن یا کاستن چیزی از دین است که در دین سایقه نداشته و البته همراه با اسناد

۱. روم: ۳۰.

۲. یوسف: ۸۵.

۳. یوسف: ۴۸.

۴. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ج ۱، ص ۱۰۰.

۵. محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۲۴۰ و ۲۴۱.

به دین باشد^۱ و عزاداری چیز جدیدی که ریشه شرعی نداشته باشد، نیست؛ بلکه ریشه در آموزه‌های قرآنی، روایی و تاریخی دارد. اقامه ماتم برای شهیدان و آزادمردان در تاریخ اسلام، سابقه دیرین دارد.

گزارشات تاریخی گواهند که پیامبر ﷺ در سوگ فرزندش ابراهیم^۲ و مادرش آمنه^۳ گریست. همچنین هنگام شهادت حمزه گریست و دستور گریستن به زنان داد.^۴ هنگام آگاهی و پیشگویی از شهادت امام حسین (ع) نیز گریست.^۵ امیرمؤمنان (ع) نیز در سوگ کسانی همچون حضرت زهرا (ع)،^۶ عمار،^۷ محمد بن ابی‌بکر^۸ و ... گریست.

سیره امامان شیعه نیز پس از شهادت امام حسین (ع) تشکیل مجلس عزا و گریه بر آن حضرت بوده است؛ چنانکه امام باقر (ع) از پدرش امام سجاد (ع) نقل می‌کند: «هر مؤمنی که برای شهادت حسین و اصحابش گریه کند، خداوند به او در بهشت غرفه‌ای می‌بخشد و اگر اشک از دیدگانش جاری شود، جایگاه نیکوکاران خواهد داشت». امام صادق (ع) نیز درباره حادثه عاشورا چنین فرموده است: «روز عاشورا دل‌ها را آتش زدند و اشک‌ها را جاری نمودند. ما وارثان غم کربلائیم، پس هر گریه‌کننده‌ای بر مثل حسین باید بگیرد. گریه بر او گناهان را از بین می‌برد».^۹ گریه کنِ حسین، شریکِ پیمبر است

این اشک نیست، آب زلال و مطهر است

این چشم نیست، چشمه‌ای از حوض کوثر است

ظرفِ نزولِ رحمتِ پروردگار شد

۱. علی بن حسین موسوی (شریف مرتضی)، رسائل المرتضی، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۰۷.

۳. احمد بن حسین بیهقی، سنن بیهقی، ج ۴، ص ۱۱۶.

۴. اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۵۵.

۵. علی بن ابی‌بکر هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۹.

۶. ابراهیم بن محمد حموی جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۸۹.

۷. عبدالله بن مسلم ابن قتیبہ دینوری، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۴۶.

۸. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۴.

۹. ابراهیم بن محمد اسفراینی، نور العین فی مشهد الحسین، ص ۸۳ و ۸۴.

چشمی که پای مجلس این روضه‌ها، تر است

چشمی که بیشتر به خودش، گریه دیده است

فردا کنار فاطمه با آبروتر است^۱

ریشه این دیدگاه که گریستن بر اموات مورد نهی قرار گرفته است، حدیثی است که مفاد آن عذاب شدن میت بر اثر گریستن بازماندگان است. بخاری از عبدالله بن عمر روایت می‌کند که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «مردۀ نسبت به گریه بستگان خویش عذاب می‌شود».^۲

مسلم نیشابوری نیز نقل می‌کند هنگامی که عمر مجروح و بیهوش شد، کسانی بر او گریه می‌کردند. وقتی به هوش آمد، گفت: رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الْمَيِّتَ لَيُعَذَّبُ بِبُكَاءِ الْخَيِّ»^۳ همانا مردۀ با گریه زندۀ عذاب می‌شود». این روایت قابل پذیرش نیست؛ زیرا اولاً گزارش‌های تاریخی و روایات بسیاری حاکی از گریستن پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه بر مردگان داشت. ثانیاً عایشه این روایت را کنار گذاشته و معتقد است عمر و فرزندش در نسبت دادن این روایت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دچار اشتباه شده‌اند و اساساً پیامبر صلی الله علیه و آله چنین سخنی نگفته است.^۴ ثالثاً این روایت مخالف با نص آیه قرآن است؛ چرا که خداوند فرموده است: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۵ هیچ گناهکاری گناه دیگری را متحمل نمی‌شود». به راستی عجیب نیست که خدای عادل مردۀ را به خاطر گریه بازماندگانش عذاب کند؟

پرسش دوم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه بر شهادت امام حسین علیه السلام گریسته و سوگواری نموده‌اند؟

حماسه کربلا، غمبارترین و دلخراش‌ترین رخداد تاریخ اسلام تا کنون بوده است که با گذر بیش از ۱۴۰۰ سال، هنوز با یادآوری آن رنج‌ها دل‌ها می‌سوزد و اشک‌ها جاری می‌شود. طبیعتاً با پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شهادت امام حسین علیه السلام، نخستین کسانی که هنگام آگاهی از این رنج‌ها و ستم‌ها برای آن حضرت گریسته و عزاداری

۱. علی اکبر لطیفیان.

۲. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۶۷.

۳. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۳۹.

۴. یحیی بن شرف نووی، المنهاج شرح صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲۸.

۵. انعام: ۱۴۶.

نموده‌اند، خود حضرت و خاندانش هستند. گزارش‌های تاریخی در این باره بسیار است؛ اگر چه عزاداری‌ها در گذر زمان متفاوت بوده است. ام‌سلمه، همسر پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

روزی که رسول‌خدا ﷺ در حجره من بود، فرمود: «کسی وارد نشود». من بیرون منتظر بودم که یک‌باره حسین ﷺ وارد حجره شد. سپس صدای گریه رسول‌خدا ﷺ را از اتاق شنیدم. کنجکاوای باعث شد به درون حجره نگاهی بیاندازم. دیدم که حسین ﷺ بر زانوی رسول‌خدا ﷺ نشسته و پیامبر ﷺ دست بر پیشانی می‌کشد و می‌گرید. عرض کردم: به خدا سوگند، متوجه ورود حسین ﷺ نشدم؛ وگرنه مانع ورود او می‌شدم. حضرت فرمود: «اکنون جبرئیل بر من نازل شد و خبر از شهادت حسین به دست امتم را داد و قدری هم تربت آن را به من نشان داد».^۱

اسما بنت عمیس،^۲ عایشه^۳ و ام‌الفضل دختر حارث،^۴ از جمله کسانی هستند که پیشگویی و گریستن پیامبر ﷺ درباره شهادت امام حسین ﷺ را گزارش کرده‌اند. همچنین نقل است پیامبر ﷺ در سفری بودند که جبرئیل بر حضرت نازل شد و خبر شهادت را به آن حضرت داد. آنجا نیز حضرت توقف نمود و گریست.^۵

عزاداری صحابه

گریستن اهل مدینه: سبط ابن جوزی نقل می‌کند هنگامی که سر مطهر حسین ﷺ به نزدیک مدینه رسید، اهل مدینه گریه‌کنان و ضجه‌زنان از شهر خارج شدند.^۶ امیرمؤمنان ﷺ قبل از واقعه عاشورا، همانند رسول‌خدا ﷺ هنگام رفتن به صفین در منطقه نینوا یادی از مصیبت امام حسین ﷺ نمود و گریست و به امام حسین ﷺ فرمود: «در کنار فرات صبور باش».^۷

۱. علی بن ابی‌بکر هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۹.

۲. همان.

۳. علی بن محمد ماوردی، اعلام النبوة، ص ۸۳.

۴. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۹۴؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۹.

۵. احمد بن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۴، ص ۳۲۵.

۶. یوسف بن قزاوعلی ابن الجوزی، تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۲۱۲.

۷. احمد بن حجر هیشمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۵۶۶.

انس بن مالک و زید بن ارقم: انس بن مالک و زید بن ارقم که از یاران پیامبر ﷺ بودند و شدت علاقه آن حضرت به امام حسین ﷺ را دیده بودند، از کسانی بودند که بر امام حسین ﷺ گریستند. پس از شهادت امام حسین ﷺ و هنگامی که سر مقدس آن حضرت را برای ابن‌زیاد آوردند، سر مبارک را در میان طشت نهاده بودند. ابن‌زیاد با چوب بر سر حضرت جسارت کرد. انس با مشاهده این جریان در حالی که می‌گریست، لب به اعتراض گشود و گفت: «صورت از این نیکوتر ندیدم. بیشترین شباهت را به رسول‌خدا ﷺ داشت».^۱

زید بن ارقم: زید بن ارقم نیز هنگامی که جسارت ابن‌زیاد را به سر مقدس امام حسین ﷺ دید، اعتراض کرد و گفت: «ابن‌زیاد! چوب را بردار؛ چرا که دیدم رسول‌خدا ﷺ لب‌شان را بر لب و دهان حسین می‌نهاد و می‌بوسید». آن‌گاه زید با صدای بلند گریه کرد. ابن‌زیاد به زید گفت: «ای دشمن خدا! خدا چشمانت را بگیراند. اگر پیر و فرتوت نبودی، گردنت را می‌زدم». زید گفت: «برده‌ای مالک آزاده شده، از امروز به بعد برده‌اید. فرزند فاطمه را کشته و پسر مرجانه را فرمانروا کردید. او خوبان شما را می‌کشد و بدان را به بردگی و فرمانبری می‌گیرد. کسی که به ذلت و خواری راضی شود، از رحمت خدا می‌شود».^۲

ام‌سلمه: ام‌سلمه، یکی از کسانی است که هنگام آگاهی از شهادت امام حسین ﷺ برای آن حضرت گریست و قاتلان آن حضرت را نفرین کرد و گفت: «خدا خانه آن‌ها و قبورشان را از آتش پر کن». شدت گریه آن بانو به قدری بود که بیهوش شد.^۳

ربیع بن خثیم: وی که از زهاد مشهور صدر اسلام است، پس از آگاهی از شهادت امام حسین ﷺ گریه سختی کرد و گفت: «جوانانی را به شهادت رساندید که هر گاه رسول‌خدا ﷺ آنان را می‌یافت، به آنان مهر می‌ورزید و بر پای خود می‌نشاند و خود با دست به آنان غذا می‌داد».^۴

۱. همان، ص ۵۷۷.

۲. همان، ص ۵۷۸.

۳. علی بن حسین ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۲۳۸.

۴. یوسف بن قزاوعلی سبط ابن‌الجوزی، تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۲۱۵؛ سید صالح شهرستانی، تاریخ التیاحة علی الإمام الشهيد الحسين بن علی ﷺ، ج ۱، ص ۱۴۱.

با توجه به بیان موارد اندک از پیشینه گریه و عزاداری بر حسین بن علی علیه السلام از متون حدیثی و تاریخی اهل سنت، گریه و عزاداری بر شهدای کربلا نه فقط دارای پیشینه قبل از شهادت است و بدعت نیست؛ بلکه از بهترین راه‌ها برای تقرب به خداوند است. بعضی از علمای اهل سنت نیز برای امام حسین علیه السلام عزاداری نمود و حتی به سرودن شعر و روضه‌خوانی نیز پرداخته‌اند. سبط ابن جوزی برای مردم بر بالای منبر مقتل امام حسین علیه السلام را خواند و خود نیز مدتی گریست.^۱ ابن‌ادریس شافعی نیز از کسانی بود که در عزای امام حسین علیه السلام اشعاری سروده است.^۲

پریش سوم: آیا نسبت دادن عبد به غیر خدا مانند عبدالحسین مشروع است؟

فرقه سلفیه که حرص عجیبی بر نسبت دادن مسلمانان به شرک، غلو، بدعت و... دارند، نامگذاری‌هایی چون عبدالحسین، غلام‌حسین، عبدالعلی، غلام‌علی، عبدالرضا و غلام‌رضا را بندگی مخلوق و وسیله شرک و طغیان دانسته و حکم به حرمت این‌گونه نامگذاری کرده‌اند.

«بن‌باز» بر این باور است: «التَّعْبِيدُ لِغَيْرِ اللَّهِ لَا يَجُوزُ، وَلَا يُجُوزُ أَنْ يُقَالَ: عَبْدُ النَّبِيِّ وَلَا عَبْدُ عَلِيٍّ، وَلَا عَبْدُ الْحُسَيْنِ. هَذَا مُنْكَرٌ لَا يَجُوزُ؛^۳ عبد نامیدن برای غیرالله جایز نیست و نباید عبدالعلی، عبدالنبی و عبدالحسین گفت». ابن‌عثیم نیز فتوی داده است: «وَالْتَّعْبِيدُ لِغَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى شِرْكٌ لِأَنَّ الْعُبُودِيَّةَ لَا تَكُونُ إِلَّا لِلَّهِ وَحْدَهُ فَلَا يَجُوزُ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يُسَمَّى وَلَدَهُ مُعَبِّدًا لِغَيْرِ اللَّهِ؛^۴ عبد نامیدن برای غیرالله شرک است؛ چرا که عبودیت فقط برای خداوند رواست؛ از این‌رو نام فرزندان را عبد غیرالله نهاد».

بر خلاف این مدعا، چنین نامگذاری‌هایی هیچ‌گونه ممنوعیت ندارد و ریشه چنین دیدگاهی برداشت نادرست از کلمه عبادت و خلط در معانی آن است؛ چرا که عبادت را تنها در معنای پرستش گرفته و نام‌هایی چون عبدالحسین و عبدالعلی را دامن زدن به بندگی غیر خدا پنداشته‌اند. این در حالی است که در قرآن واژه عبد در دو معنا آمده است:

۱. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، *البدایة و النهایة*، ج ۱۳، ص ۲۲۷.

۲. محمد بن علی ابن‌شهر آشوب، *مناقب آل‌ابیطالب* علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۲۶.

۳. عبدالعزیز بن عبدالله بن‌باز، *فتاوی نور علی‌الدرب*، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴. محمد بن صالح العثیمین، *فتاوی نور علی‌الدرب*، ج ۴، ص ۲.

الف: معنای بندگی: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»^۱ همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود.

ب: مملوک فرمانبردار: عبارت «عَبَدْتُ فَلَانًا» وقتی است که او را مطیع و رام کنی و عبد خود کنی.^۲

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»^۳ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را» و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ»^۴ ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد، و بنده را به جای بنده». بنابراین واژه عبد تنها به معنای عبودیت و بندگی نیست و در معنی مملوک و برده نیز به کار می‌رود، اما در کلمه عبدالحسین در معنای مجازی یعنی اطاعت و فرمانبرداری استعمال شده است؛ مانند آنکه خداوند از زبان حضرت موسی عليه السلام خطاب به فرعون می‌فرماید: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ»^۵ آیا این متی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود (فرمانبردار) ساخته‌ای؟».

بنابراین همان‌گونه که عبد مملوک در برابر مولایش خاضع و مطیع است، صاحب این نام (عبدالمهدی) نیز نسبت به حضرت مهدی عليه السلام فروتن و مطیع است؛ بدون اینکه مملوک ایشان باشد. بنابراین در پاسخ مفتیان وهابی می‌توان گفت مراد از عبد در نام‌هایی چون عبدالحسین، اظهار ارادت و اطاعت‌پذیری به اولیای الهی است، نه اظهار بندگی برای آنان؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان عليه السلام می‌فرماید: «أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ مُحَمَّدٍ»^۶ من بنده‌ای از بندگان محمد هستم». پس مراد از عبد در این نام‌ها، فرمانبردار است. طبری می‌گوید:

من در خراسان بالای سر امام رضا عليه السلام به خدمت ایستاده بودم و جمعی از بنی‌هاشم

۱. مریم: ۳۰.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، ص ۵۴۱.

۳. نور: ۳۲.

۴. بقره: ۱۷۸.

۵. شعراء: ۲۲.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۸۹.

که اسحاق بن موسی در میان‌شان بود، خدمت آن حضرت بودند. امام علیه السلام فرمود: «ای اسحاق! به من خبر رسید که مردم (اهل سنت) می‌گویند: ما عقیده داریم که مردم برده ما هستند، نه؛ سوگند به خویشی و قرابتی که با پیغمبر صلی الله علیه و آله دارم، نه من هرگز این سخن گفته‌ام و نه از پدرانم شنیده‌ام و نه به من خبر رسیده که یکی از آن‌ها گفته باشد، ولی من می‌گویم النَّاسُ عِبِيدٌ لَنَا فِي الطَّاعَةِ؛ مردم بنده ما هستند، در اینکه اطاعت ما بر آن‌ها واجب است و در اطاعت فرمانبر ما و در دین پیرو ما هستند. هر کس حاضر است، به غایبین برساند».^۱

جالب آنکه نام‌های همچون عبد عمرو، عبد عوف و عبد قیس، در میان صحابه سابقه داشته است^۲ و پس از اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله تنها نام‌های کسانی را تغییر داد که مانند عبد العزی، مشرکانه بود.^۳ همچنین در میان برخی از علمای اسلامی و اهل سنت، افرادی که نام‌ای عبد النبی و ... داشته‌اند. اگر این نام‌ها اشکال داشت، عالمان اهل سنت باید نام‌شان را تغییر می‌دادند.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، *أسد الغابة*، بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکرة الخواص*، قم: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابیطالب* علیهم السلام، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۴. ابن عساکر، علی بن حسین، *تاریخ دمشق*، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *الإمامة والسياسة*، چاپ اول، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*،
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۸. ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*،

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. علی بن محمد ابن اثیر، *أسد الغابة*، ج ۳، ص ۴۰۵ - ۴۰۳.

۳. همان، ص ۱۰۲.

۹. اسفرايني، ابراهيم بن محمد، نور العين في مشهد الحسين عليه السلام، تونس: المنارف [بي تا].
۱۰. بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري، المغرب: دارالمعرفه، [بي تا].
۱۱. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، فتاوى نور على الدرب
۱۲. بيهقي، احمد بن حسين، سنن بيهقي، چاپ دوم، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
۱۳. حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله حاكم، مستدرک على الصحيحين،
۱۴. حموي جويني، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين، بيروت: مؤسسة المحمودي، [بي تا].
۱۵. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات الفاظ القرآن
۱۶. شهرستاني، سيد صالح، تاريخ النياحة على الإمام الشهيد الحسين بن علي عليه السلام، بيروت: دارالزهراء، ۱۳۲۵ق.
۱۷. العثيمين، محمد بن صالح، فتاوى نور على الدرب،
۱۸. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، چاپ چهارم، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ق.
۱۹. كوفي احمد بن اعثم، الفتوح
۲۰. ماوردي، علي بن محمد، اعلام النبوة، چاپ اول، بيروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۴۰۹ق.
۲۱. مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد، چاپ اول، قم: كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
۲۲. موسوي (شريف مرتضى)، علي بن حسين، رسائل المرتضى،
۲۳. نووي، يحيى بن شرف، المنهاج شرح صحيح مسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي، [بي تا].
۲۴. نيشابوري، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۴۷ق.
۲۵. هيثمي، احمد بن حجر، الصواعق المحرقة، چاپ اول، لبنان: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۷ق.
۲۶. هيثمي، علي بن ابي بكر، مجمع الزوائد، قاهره: مكتبة القدسي، ۱۴۱۴ق.
۲۷. يعقوبي، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبي، قم: مؤسسة اهل البيت عليهم السلام، [بي تا].

نگاهی گذرا به برخی از خاطرات تبلیغی در مناطق مشترک

حجت الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری*

قال الله تعالى: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ
وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱

مقدمه

یکی از آموزه‌های قرآن کریم، دعوت پیروان ادیان توحیدی به وحدت است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»^۲ بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد. هر گاه (از این دعوت) سرباز زنند، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمانیم». از این آیه شریفه چنین استنباط می‌شود که وقتی خداوند با اتکای به اشتراکاتی از جمله یکتاپرستی و دوری از شرک، پیروان ادیان توحیدی را به وحدت دعوت می‌کند؛ قطعاً وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در پرتو باورهای مشترک فراوانی که با یکدیگر دارند، امری ممکن و مطلوب است. بر همین اساس باید بر خلاف خواسته دشمنان قسم‌خورده اسلام و مسلمین، در راه حفظ وحدت و انسجام جامعه مسلمانان تلاش و تبلیغ کرد تا در پرتو انسجام و صلح و آرامش، جامعه مسلمین به اهداف عالیه اسلام نائل شوند. این نوشتار به برخی از خاطرات تبلیغی در مناطق مشترک می‌پردازد.

* دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. حجرات، ۱۰: «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید».

۲. آل‌عمران: ۶۴.

۱. بهره‌مندی از تجربیات مبلغان بومی

در ایامی که در مشهد مقدس به تحصیل دروس حوزوی مشغول بودم، به توصیه برخی اساتید اولین سفر تبلیغی را به شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان، آغاز و در یکی از روستاهای آن منطقه که ترکیب جمعیتی از تشیع و تسنن داشت، مستقر شدم. بنده که تا آن زمان با اهل سنت ارتباط تبلیغی و نزدیک نداشتم، تلاش نمودم که مبانی اعتقادی تشیع از قبیل مباحث امامت و ولایت و برخی از مباحث تاریخی و حوادث مربوط به پیدایش واقعه عاشورا را در جمع شیعیان و مجالس عمومی مطرح کنم. از حسن و زیبایی این سفر، استقرار در منزل یکی از اهالی روستا بود که افزون بر میزبانی از مبلغان، به عنوان ملای محلی منطقه، در هنگام عدم حضور مبلغین، به اقامه نماز جماعت و بیان احکام و مباحث اخلاقی و پیگیری امور مربوط به کفن و دفن اموات می‌پرداخت. بنده نیز با توجه به وضعیت ظاهری و مقبولیت مردمی وی، به ایشان احترام نمودم که این احترام، تأثیر خوبی در روحیه ایشان و مردم گذاشت و موجب حفظ جایگاه مردمی وی شد. در یکی از روزهای آغازین حضورم، ملای محلی بیان داشت که همسر یکی از بزرگان منطقه که از برادران اهل سنت می‌باشد، مرحوم شده؛ لذا برای عرض تسلیت به منزل ایشان می‌رویم. این دیدار، اولین دیدار بنده با اهل سنت منطقه بود که به جرأت می‌توان بیان کرد که اگر ملای باتجربه روستا نبود، قطعاً عدم آشنایی با برخی از آداب و رسوم منطقه ممکن بود موجب شود که به درستی وظیفه تبلیغی را انجام ندهم.

در مدت حضور در این منطقه، ملای باصفا و محبوب روستا، بسیاری از آداب و رسوم منطقه را به بنده تعلیم داد و حتی مباحثی از عقاید اهل سنت منطقه را نیز که در مراودات با اهل سنت یاد گرفته بود، بیان کرد. رمز موفقیت آن پیر باتجربه در آن منطقه که از جایگاه و اعتبار مناسبی نیز بین شیعیان و اهل سنت برخوردار بود، سلوک پدرانه و هدایت‌گرانه با همه مردم بود و با این نگاه محبت‌آمیز و سلوک اخلاقی در بین شیعیان و اهل سنت، وفاق و همدلی خاصی را به وجود آورده بود و همه مردم چه شیعه و چه اهل سنت به او احترام می‌کردند و کلام او، فصل الخطاب منازعات و گرفتاری‌های روزمره زندگی مردم در مناطق بود.

۲. تأثیر برخورد و رفتار مناسب با بر جوانان

در ایام ماه محرم، شور و شعور حسینی در تمام کشور طنین‌انداز می‌شود و افزون بر

اماکن مذهبی، فضای شهرها و روستاها نیز رنگ و بوی حسینی می‌گیرد و با نصب پرچم و نمادهای عزا در سر درب منازل، ادارات و مغازه‌ها تمام منطقه سیاه‌پوش می‌شود. برخی جوانان شیعه، به شعارنویسی بر دیوارها و گاهی شیشه ماشین‌ها نیز همت می‌گذارند تا پیام‌رسان عاشورا باشند. در مناطق مشترک شیعه و اهل سنت نیز همت جوانان بر انجام این امور بیشتر است. در یکی از روزهای محرم، جهت شرکت در جلسه‌ای از خیابان رد می‌شدم که دیدم پشت شیشه ماشینی، جملات تحریک‌آمیزی در مدح برخی از خلفای اهل سنت نوشته شده بود. احساس کردم این کار خصوصاً در این ایام، موجب تحریک جوانان تشیع و قطعاً به درگیری ختم می‌شود. جوان راننده را به محل کار دعوت کردم و با صمیمیت با هم گفتگو کردیم. ایشان بیان داشت که برخی افراد و سازمان‌ها، به بنده تذکر دادند که باید این جملات را از پشت ماشین پاک کنی، اما من این کار را نخواهم کرد هر چند که تهدید کنند و به ضرر من تمام شود؛ زیرا به این جملات اعتقاد دارم، همان‌طور که شما شیعیان برای امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام شعارنویسی می‌کنید.

با حرف‌های این جوان، احساس کردم این کار را بر طبق اعتقادات مذهبی خود انجام داده است. لذا با آرامش، ضمن تحسین او در دفاع از عقاید خود توضیح دادم که امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا، از مشترکات همه مذاهب اسلامی است و نه تنها شیعه، بلکه اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز به امام حسین علیه السلام عشق می‌ورزند و از شهادت ایشان متأثرند. بنابراین اگر جوانان شیعه جملاتی در مورد عاشورا و اهل بیت علیهم السلام نوشته‌اند قطعاً خلاف وحدت نیست؛ بلکه ترویج باورها و اعتقادات مشترک شیعه و اهل سنت است؛ هم‌چنانکه بزرگان اهل سنت تألیفات فراوانی درباره حادثه عاشورا و عظمت و شخصیت امام حسین علیه السلام دارند و اشعار زیبایی نیز سروده‌اند که شعر اقبال لاهوری نمونه‌ای از آن است:

آن امام عاشقان پور بتول	سرو آزادی ز بستان رسول
الله الله بای بسم الله پدر	معنی ذبیح عظیم آمد پسر
بر زمین کربلا بارید و رفت	لاله در ویرانه‌ها کارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد	موج خون او چمن ایجاد کرد
رمز قرآن از حسین آموختیم	ز آتش او شعله‌ها اندوختیم

تار ما از زخمه‌اش لرزان هنوز تازه از تکبیر او ایمان هنوز
ای صبا ای پیک دور افتادگان اشک ما بر خاک پاک او رسان

بعد از خواندن این اشعار و بیان برخی از روایات در مورد اهل بیت علیهم‌السلام و امام حسین علیه‌السلام از منابع اهل سنت، این نکته را تذکر دادم که بزرگان شیعه این ملاحظه را دارند تا شیعیان خصوصاً جوانان، از تفرقه و اختلاف اجتناب کنند و لذا اعتقادات مخصوص و ویژه خود را در اماکن اختصاصی ابراز می‌کنند، نه عمومی. سطح شهر نیز از اماکن عمومی است، شما هم عقاید اختصاصی را در اماکن اختصاصی مثل مساجد و مدارس علمیه ابراز نمایید تا موجب اختلاف و کینه و کدورت بین شیعیان و اهل سنت نشود.

با این توضیحات جوان آرام شد و از بنده تشکر کرد و گفت: ای کاش دیگران که این تذکر را به من می‌دادند، رفتاری همانند رفتار شما می‌کردند و منطقی با من صحبت می‌نمودند لذا به خاطر تذکر شما که بیان داشتید اعتقادات مشترک را در مکان عمومی ترویج دهیم بنده هم رعایت می‌کنم و جملات را پاک می‌کنم تا موجب بهم‌ریختگی و نزاع و اختلاف نشود.

۳. استفاده از توانمندی فعالان شیعه و اهل سنت در اجرای برنامه‌های فرهنگی

مشارکت نهادها، سازمان‌ها و فعالان فرهنگی در اجرای برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی، از نکات مهم و تأثیرگذار در پیشرفت تبلیغ است که لازم است مبلغان محترم به آن توجه نمایند. برخی از مبلغان با درایت، تلاش دارند که در فرصت کوتاه ایام تبلیغ، نیروسازی می‌کنند و به تربیت نیروها جهت اجرای برنامه‌های عبادی و فرهنگی می‌پردازند. در هنگام اقامه نماز، مؤذن و مکبر را از بین جوانان و نوجوانان انتخاب می‌کنند. قرائت ادعیه و قرآن را به برخی دیگر می‌سپارند و به همین منوال از همه نیروها بهره می‌برند تا افزون بر مشارکت همگانی، از توان نیروها هم استفاده کنند.

در مناطق مشترک نیز می‌توان در برگزاری برنامه‌ها، از توان و ظرفیت نهادها، سازمان‌ها و فعالان فرهنگی شیعه و اهل سنت بهره برد. حتی از توان خیرین اهل سنت که مشتاق به فعالیت فرهنگی هستند، برای اجرای برنامه‌های مذهبی خصوصاً ایام محرم و صفر و مراسم عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام بهره برد.

در ایام عید قربان و غدیر با توجه به اهمیت این دو عید در اسلام، برنامه‌ریزی کردیم تا برای اولین بار، جشن بزرگی با عنوان «جشن بزرگ عید قربان تا غدیر» را در منطقه تبلیغی مشترک برگزار نماییم تا افزون بر بزرگداشت این دو عید، جشن غدیر نیز به صورت ترکیبی و با حضور شیعیان و اهل سنت برگزار شود و روحانیت اهل سنت در مورد این دو واقعه مهم سخنرانی نمایند. با پیشنهاد بنده، مجری برنامه یکی از فرهنگیان اهل سنت انتخاب شد که اجرای بسیار مناسبی داشت. ایشان در ابتدای اجرای برنامه، این شعر را خواند و فضای جلسه را معطر به عطر نام مبارک پیامبر ﷺ و اهل بیت  نمود و مورد تحسین شرکت‌کنندگان قرار گرفت و ارادت خود را به اهل بیت  ابراز داشت.

یک روز که پیغمبر در گرمی تابستان	همراه علی می‌رفت در سایه نخلستان
دیدند که زنبوری از لانه خود زد پر	آهسته فرود آمد بر دامن پیغمبر
بوسید عبایش را، دور قدمش پر زد	بر خاک کف پایش صد بوسه دیگر زد
پیغمبر از او پرسید: آهسته بگو جانم	طعم عسل از چیست؟ هر چند که می‌دانم
زنبور جوابش داد: چون نام تو می‌گویم	گل می‌کند از نامت صد غنچه به کندویم
تا یاد تو را هر شب چون گل به بغل دارم	هر صبح که برخیزم در سینه عسل دارم
از قند و شکر بهتر خوشتر ز نبات است این	طعم عسل از من نیست، طعم صلوات است این

۴. ضرورت دقت مبلغان در صحت گزارش ارائه شده از مسائل مناطق مشترک

یکی از نکات مهمی که مبلغان باید آن را رعایت نمایند، دقت در گزارش‌ها و تحلیل و رصد و بررسی صحت آن است. متأسفانه در برخی از موارد، عده‌ای گزارش‌های خلاف واقع را به مبلغان می‌دهند و با برجسته کردن آن و رنگ و بوی مذهبی دادن، موجب بدبینی می‌شوند. روزی یکی از دوستان که در یکی از مراکز فرهنگی مشغول بود، اطلاع داد گزارشی از فلان منطقه ارسال شده است که برخی مسئولین در حق مردم جفا می‌کنند و عدالت را رعایت نمی‌کنند و افزون بر قطع کتور آب مردم، دبیرستان شبانه‌روزی که قرار بود در آن منطقه محروم احداث شود، به جای دیگری انتقال دادند. بنده مسئله را بررسی کردم و از فرماندار که بومی آن محل بود، توضیحاتی خواستم. ایشان گفت برخی اهالی آن منطقه، مدتی است که قبض آب

مصرفی خود را پرداخت نکردند؛ لذا شرکت آب و فاضلاب برای دریافت هزینه آب مصرفی، به آنان اخطار قطع آب در صورت عدم واریز هزینه را داده است و این اخطار مختص به یک طایفه و قوم و مذهب نیست؛ بلکه شامل همه مردم آن منطقه می‌شود. همچنین در بحث احداث دبیرستان شبانه‌روزی در آن منطقه، با توجه به تعداد اندک دانش‌آموزان بنا شد که دبیرستان در محل دیگر که جمعیت دانش‌آموزی بیشتری دارد، احداث شود و برای دانش‌آموزان این منطقه نیز از طرف آموزش و پرورش، سرویس ایاب و ذهاب تدارک دیده شود. بعد از بررسی وضعیت منطقه و دریافت پاسخ مسئولین، به یقین رسیدم که برخی گزارش‌های ارسالی بر مبنای حب و بغض و منافع شخصی تنظیم می‌شود و لازم است نهایت دقت در صحت آن انجام شود تا خطایی انجام نگیرد و ظلمی واقع نشود.

۵. اهدای هدیه به برخی افراد در ایام تبلیغ

یکی از دستورات زیبا و جذاب اسلام، هدیه دادن به افراد است که در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز تأکیدات فراوانی بر دادن هدیه شده است. رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «تَهَادُوا تَحَابُّوا، تَهَادُوا؛ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ»^۱ به یکدیگر هدیه دهید تا محبوب یکدیگر شوید. به یکدیگر هدیه بدهید؛ زیرا کینه‌ها را می‌زداید». مناسب است روحانیون و مبلغان گرامی در ایام تبلیغ، هدایایی هر چند اندک تهیه کنند و به برخی اشخاص اعطا نمایند؛ زیرا این کار به ظاهر ساده و کوچک، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر مخاطبان دارد و رسالت تبلیغی را تسهیل می‌کند. در ایام تبلیغی یکی از مبلغان را که سابقه زیادی در تبلیغ در مناطق مشترک داشت، به منطقه دعوت کردیم. ایشان معمولاً هدایایی از قبیل سوهان و نبات از قم تهیه می‌کرد و به همراه داشت و به برخی از افراد به عنوان هدیه تعارف می‌کرد. در روز جمعه برای سخنرانی در میان نمازگزاران اهل سنت، با امام جمعه اهل سنت یکی از مساجد هماهنگ شد تا ایشان دقایقی در میان نمازگزاران سخنرانی کند. مبلغ مذکور در زمان حرکت به سوی نماز جمعه، یک بسته سوهان برای هدیه به امام جمعه همراه برد و بعد از احوال‌پرسی با امام جمعه در مسجد، بسته سوهان را به ایشان هدیه داد و بعد هم سخنرانی مناسبی

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۱۴۴؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۶.

انجام داد که مورد توجه مردم قرار گرفت. امام جمعه نیز بعد از سخنرانی ایشان، از حضور و سخنرانی ایشان در جمع نمازگزاران تشکر کرد و گفت: «حاج آقا همیشه به ما لطف دارند و در این ایام که برای تبلیغ به این شهرستان آمدند و در نماز جمعه ما شرکت کردند، ما را از سخنان خود مستفیض کردند و همیشه به یاد ما هستند؛ لذا از قم نیز برای ما یه بسته سوهان هدیه آوردند که بیانگر محبت ایشان به ماست. لذا بنده ویژه از ایشان بابت سخنرانی و هدیه تشکر می‌کنم».

فهرست منابع

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چاپ سوم، قم: اسوه، ۱۳۷۵ش

